

ادعا علیه نمایندگان
مصاحبه جنجالی عبدالناصر همتیجنجال کورتکس
چرا سخنان محسن رثانی اشتباه بود؟مرگ تلخ محیطبان
قتل هدایت‌الله دیده‌بان توسط شکارچیانپاسخ
به آمریکارهبر انقلاب تأکید کردند:
صنعت عظیم هسته‌ای
بدون غنی‌سازی، عملاً
بی‌فایده است

سرمقاله

فرصت تولد یک گفتمان

پزشکیان و ضرورت ساختن زبان مشترک در دولت

محمد عطریان‌فر

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

دولت مستقر امروز فاقد گفتمان سیاسی روشن است؛ این فقدان، مسأله‌ای حیاتی و غیر قابل کتمان است. واگر توجه به رفیع آن نادیده گرفته شود نه تنها مشروعیت سیاسی دولت آسیب می‌بیند بلکه انسجام اجتماعی و کارآمدی اجرایی آن را نیز به‌خطر می‌اندازد. مرور حوادث منجر به از دست رفتن رئیس جمهور سیزدهم و روند سیاسی منتهی به تأمین پیش نیازهای انتخابات ۱۴۰۳ پس از رحلت مرحوم ابراهیم رئیسی، نشان می‌دهد که قصه انتخابات را احزاب تدارک ندیدند بلکه بنا به تدبیر شخص رهبر انقلاب صورت بندی حضور نامزدها و رقابت‌ها فارغ از دخالت‌های صحیح و سقیم اعضای شورای محترم نگهبان سامان گرفت. نیروی سیاسی مهم اصلاح‌طلب سالیانی بود که از مشارکت قاطع در انتخابات به تردید افتاده و فاصله گرفته بود. بعدی که چهره نمادین و رهبر جریان اصلاحات، حدفاصل ۱۴۰۲-۱۴۰۳ دو پیام جدی، تصریحاً و تلویحاً به جامعه ایران داشت: نخست، اعلام اشکار ضرورت غیرفعال شدن در انتخابات فرمایشی و عملاً کناره‌گیری از شرکت در انتخابات، دوم، یک نوع ابراز جدایی از چسبندگی از جنس پیشین و به تعبیر رادیکال آن گسست از منظومه مدیران عالی نظام که بزعم ایشان نظام سیاسی را به قهقرا برده و از هویت اولیه تهی کرده اند و این موضع سیاسی را در برخی نشست‌ها و اظهارنظرها مطرح کردند. این پیام‌ها به‌خصوص در غیاب چهره‌ای مانند مرحوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی برای جامعه‌ای که خاتمی‌برایش نقش چراغ راه و راهبر صادق و صمیمی است، نگران‌کننده بود اما هوشمندی و تدبیری که ازسوی رهبری اتخاذ شد، ماجرا را تغییر داد. در میانه این رخدادها حساس، چهره‌ای از دل اصلاح‌طلبان، مسعود پزشکیان به‌عنوان قهرمان این داستان و با حمایت غیرمستقیم رهبری وارد میدان شد؛ نکته مهم اینکه نه تنها تمامی گروه‌های اصلاح طلب، که شخص شخصیت جناب خاتمی هم با تشخیص بموقع و سیدور از هرگونه لیت و لعل و بدون دعوت رسمی یا سازمان‌دهی قبلی، به حمایت از پزشکیان پرداختند. این رفتار، پیام آشکاری برای جامعه و جریان‌های سیاسی داشت: بازگشت به عقلانیت، اجماع و مشارکت در ساختن آینده. احزاب سیاسی نیز که ابتدا با تردید به پزشکیان نگاه می‌کردند به‌تدریج او را به‌مثابه ظرفیت تحول‌سازی باور کردند که می‌تواند پیوند میان ارزش‌ها و الزامات سیاست‌ورزی مدرن را برقرار کند. این لحظه تاریخی، در سال ۱۴۰۳ و در دوران تحولات انتخابات زودرس، شباهت زیادی به مقطع پس از رحلت حضرت امام خمینی در سال ۱۳۶۸ داشت؛ زمانی که اجماعی ملی برای واگذاری اداره کشور به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی شکل گرفت تا بتواند کشور را از بحران‌های ناشی از جنگ عبور دهد. بدون اینکه از این شباهت و قرینه‌سازی قصد ناصوابی برای تکریم بیش از حد کسی و یا تخفیف شأن بزرگان پیشین را داشته باشیم اکنون نیز در نقطه‌ای قرار داریم که باید بار دیگر برتحقق چنین اجماعی تأکید کرد و در فرایند شکل‌گیری آن کوشید. زیرا کشور با مصایب جدی - چه داخلی و چه بین‌المللی - مواجه است. در این مسیر، مسعود پزشکیان که فرصت و موهبت ناخواسسته‌ای بود که خداوند وی را به اصلاحات هدیه داد، باید تبدیل به قهرمانی شود تا بتواند دو دوره ریاست‌جمهوری را با پشتوانه‌ای که واجد گفتمان روشن سیاسی و اجتماعی باشد، ادامه دهد. برای رسیدن به چنین هدفی شرط نخست، داشتن یک گفتمان غالب است؛ این گفتمان نباید محصول فرد رئیس‌جمهور تنها باشد بلکه دولت و کابینه به‌عنوان منظومه‌ای تمام عیار باید آن را بسازد، باور کنند و ترویج دهند.

ادامه در صفحه ۳

کابوسی زنان

قتل الهه حسین‌نژاد توسط بهمن فرزانه، مسافرکش سابقه‌دار، زنگ خطر را برای امنیت زنان به صدا درآورده است
علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد؛ سازندگی به این موضوع پرداخته است

فائزه مومنی



گروه اجتماعی

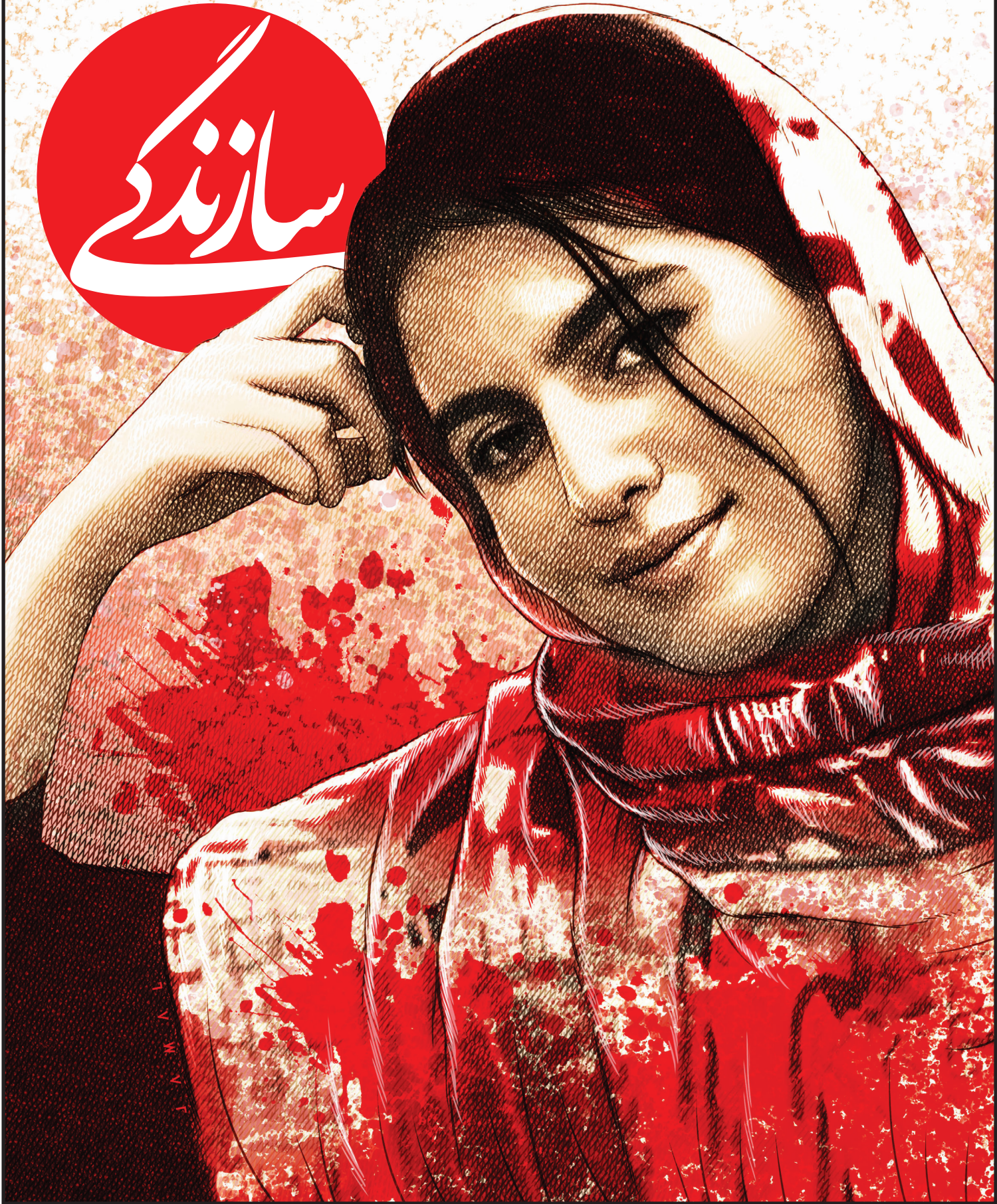
شامگاه چهارم خردادماه، «الهه حسین‌نژاد» دختر ۲۴ ساله ساکن تهران در مسیر بازگشت از محل کار، قربانی یکی از تلخ‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین جنایت‌های ماه‌های اخیر شد. بر اساس گزارش‌های رسمی، راننده به‌خاطر مقاومت الهه، دو ضربه چاقو به قفسه سینه او وارد کرده و وی را به قتل رسانده است. پیکر

الهه پس از ۱۰ روز جست‌وجو در بیابان‌های اطراف اسلام‌شهر کشف و عامل جنایت، دستگیر شد. این واقعه تلخ، هم‌زمان با واکنش گسترده افکار عمومی و رسانه‌ها، بار دیگر پرسش‌هایی جدی در مورد امنیت شهری، حفاظت از زنان و مسئولیت مدیریت حمل‌ونقل عمومی را مطرح کرده است. محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور در واکنش به این فاجعه نوشت: «اگرچه داغ خانم الهه حسین‌نژاد، قلب همه ایرانیان را به درد آورد اما چندین روز هم‌دلی برای یافتنش،

جلوه‌ای از ملت بودن ما بود. در دولت، با جدیت ابعاد مختلف مسأله از جمله ارتقای امنیت حمل‌ونقل را پیگیری خواهیم کرد». آمار رسمی حاکی از روند صعودی و نگران‌کننده جرایم خرد در یک دهه گذشته است. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۲ نزدیک به ۹۳۹ هزار فقره سرقت ثبت شده که با وجود کاهش ۸ درصدی نسبت به سال قبل بیش از ۱۰۰ درصد نسبت به سال ۱۳۹۰ رشد داشته است. پلیس فراجا نیز گزارش کرده است که در نیمه اول ۱۴۰۲ کشف سرقت‌ها ۲۴ درصد

و کشف سرقت‌های خرد (مانند موبایل قاپی و کیف قاپی) ۴۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته‌اند. همچنین در سال ۱۴۰۳ میزان جرایم خشن از جمله زورگیری، سرقت به عنف و خفت‌گیری در مناطق شهری کشور با رشد ۲۳ درصدی مواجه بوده است. در تهران این میزان ۲۹ درصد است که رقمی نگران‌کننده و فراتر از میانگین کشوری است. هم‌زمان با صعود آماری جرایم، شهروندان احساس ناامنی بیشتری را در فضاهای عمومی تجربه می‌کنند.

ادامه در صفحه ۷





رهنمود

پاسخ به آمریکا

رهبر انقلاب تاکید کردند: صنعت عظیم هسته‌ای بدون غنی‌سازی، عملاً بی‌فایده است



رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع عظیم و پرشور مردم در حرم مطهر امام خمینی (ره) در تبیین مسأله ملی هسته‌ای، برخورداری ایران از چرخه کامل و افتخارآمیز سوخت هسته‌ای را نتیجه باور ملت و دانشمندان جوان به «ما می‌توانیم» خواندند و با اشاره به تأثیرات مهم این صنعت در پیشرفت علوم و صنایع دیگر، طرح هسته‌ای ارايه شده آمریکا را در ضديت کامل با اصل راه‌گشای «ما می‌توانیم» دانستند و تاکید کردند: صنعت عظیم هسته‌ای بدون غنی‌سازی عملاً بی‌فایده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی بدانند برای تحقق هدف اصلی خود یعنی جمع کردن صنعت هسته‌ای در ایران هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. ایشان «تحریم‌های همه‌جانبه‌ای که همچنان ادامه دارد، حمله نظامی آمریکا به طیس و حمله به هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس» را از دیگر اقدامات خبیثانه دشمنان ملت و انقلاب خواندند. اکنون در همین قضیه هسته‌ای و گفت‌وگوهایی که با وساطت عمان در حال انجام است، طرحی که آمریکایی‌ها ارايه کردند ۱۰۰ درصد ضدّ «ما می‌توانیم» است. آیت‌الله خامنه‌ای هدف از این اقدامات منطّح و بیرانگس را تضعیف جمهوری اسلامی دانستند. رهبر انقلاب بخش دیگری از سخنانشان را به تبیین مسأله ملی هسته‌ای و بیان نکاتی برای آگاهی مردم اختصاص دادند و گفتند: ایران به برکت هوش جوانان و همت دانشمندان پرتلاش خود توانسته است از چرخه کامل سوخت هسته‌ای برخوردار شود؛ در حالی که کشورهای صاحب این توانایی در دنیا کاملاً محدود هستند. آیت‌الله خامنه‌ای در بیان علت بی‌فایده بودن صنعت عظیم هسته‌ای بدون برخورداری از توانایی غنی‌سازی گفتند: بدون غنی‌سازی برای تأمین سوخت نیروگاه‌ها باید دست نیاز به سمت دارندگان آن دراز کنیم؛ مانند اینکه به ما بگویند با وجود برخورداری از نفت، حق احداث پالایشگاه و تولید بنزین ندارید و باید برای خرید و تأمین بنزین خود، به خواست کشورهای دیگر عمل کنید. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: بدون غنی‌سازی و امکان تولید سوخت حتی داشتن ۱۰۰ نیروگاه هسته‌ای به دردی نمی‌خورد؛ چراکه برای تأمین سوخت باید در مقابل آمریکا دست دراز کنیم و آنها ممکن است ده‌ها شرط برای این کار تعیین کنند؛ همچنان که در دهه ۸۰ و برای تأمین سوخت ۲۰ درصد این مسأله تجربه شد. ایشان با اشاره به ماجرای وساطت دو کشور دوست ایران به درخواست رئیس‌جمهور وقت آمریکا برای انتقال بخشی از مواد غنی شده ۳.۵ درصد در ازای گرفتن سوخت ۲۰ درصد برای تأمین نیاز داخلی گفتند: در آن مقطع، مسئولان مبادله را پذیرفتند و بنده گفتم که طرف مقابل باید سوخت ۲۰ درصد را به بندرعباس منتقل کند و ما پس از آزمایش، مبادله را انجام می‌دهیم اما وقتی آنها دقت و اصرار ما را دیدند، زیر قول خود زدند و سوخت ۲۰ درصد را ندادند. آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته در طول همان زردخوره‌های سیاسی، دانشمندان ما سوخت ۲۰ درصد را در داخل تولید کردند. رهبر انقلاب، حرف اول و مطالبه آمریکایی‌ها در موضوع هسته‌ای را محرومیت کامل ایران از این صنعت و فواید گوناگون آن برای مردم همچنین بیکار و مایوس شدن هزاران پژوهش‌گر و دانشمند جوان هسته‌ای خواندند و گفتند: سردمداران بی‌ادب و گستاخ آمریکا این خواسته را به زبان‌های مختلف تکرار می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر اینکه «پاسخ ما به پاره‌وگی‌های دولت پسروصدا و بی‌تدبیر آمریکا معلوم است»، اظهار عجز چند سال قبل یکی از روسای جمهور آمریکا را مبنی بر اینکه اگر می‌توانستم پیچ‌ومهره‌های صنعت هسته‌ای ایران را باز می‌کردم، یادآوری کردند و افزودند: امروز پیچ‌ومهره‌های صنعت هسته‌ای ما بسیار محکم‌تر شده است؛ همچنان که آن رئیس‌جمهور اعتراف کرد که نتوانست کاری از پیش ببرد، حاکمان امروز صهیونی و آمریکایی هم بدانند که در این مورد هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. آیت‌الله خامنه‌ای، تکلیف دولت‌های اسلامی را سنگین خواندند و با تاکید بر اینکه امروز جای ملاحظه، محافظه‌کاری، بی‌طرفی و سکوت نیست، افزودند: اگر یک دولت اسلامی به هر شکل و بهانه‌ای، چه با عادی‌سازی روابط، چه با بستن راه کمک به مردم فلسطین و چه با توجیه جنایات صهیونیست‌ها از این رژیم حمایت کند، یقین بدانند که تنگ ابدی بر پیشانی آن خواهد ماند.



عفاف و حجاب، سیاست‌های فرهنگی و روابط با گروه‌های مختلف سیاسی مواضع متفاوتی دارد. در جریان جلسه استیضاح با وجود تذکر چهره‌هایی مانند رئیس‌جمهور پزشک‌پسندان مبنی بر اینکه کشور در شرایط جنگ اقتصادی قرار دارد و این استیضاح، تضعیف جبهه اقتصادی دولت است اما نمایندگان مخالف بی‌توجه به این هشدارها به مسیر خود ادامه دادند؛ برخی حتی زمان نطق را میان خود تقسیم کردند تا تعداد مخالفان بیشتر به چشم بیاید. اکنون که چند روز از انتشار این گفت‌وگو گذشته است و موج واکنش‌ها همچنان ادامه دارد، مخالفان هستی این سوال را میان رسانه‌ها و افکار عمومی مطرح می‌کنند که اگر هستی واقعا مدارکی از درخواست‌های غیراخلاقی یا فراقانونی برخی نمایندگان دارد، چرا تاکنون آن‌ها را منتشر نکرده است؟ آیا ملاحظاتی در میان است؟ آیا این سکوت، استراتژیک است؟ یا شاید هم، همان‌طور که برخی منتقدان می‌گویند، حرف‌های او ادعاهایی بدون سند هستند؟ به هر حال در غیاب مستندات روشن، جامعه سیاسی کشور در برخی از تردید و گمانه‌زنی به سر می‌برد؛ هرچند سخنان هستی، بار دیگر مسأله شفافیت در روابط دولت و مجلس را به صدر اخبار بازگردانده است. اما فارغ از اینکه ادعاهای هستی تا چه اندازه واقعی و قابل اثبات باشند، این رخداد بار دیگر مسأله‌ای ساختاری را به‌وضوح نمایان می‌کند که اگر نماینده‌ای می‌تواند تا این اندازه برای انتصاب یک مدیر فشار آورد، یا اگر وزیری تصور می‌کند در صورت پاسخ ندادن به این فشارها باید منتظر استیضاح باشد، آن‌گاه باید پرسید استقلال و کارآمدی نظام اداری تا چه اندازه تضمین شده است؟ آیا زمان آن نرسیده است که فرآیند انتصابات در چارچوبی شفاف و بر اساس معیارهای تخصصی، تعریف شود؟ شاید پاسخ نهایی به این منازعه، نه در گفت‌وگوهای توییتی بلکه در یک مسیر قضایی یا پارلمانی روشن شود. هستی ادعایی کرده است و برخی نمایندگان نیز او را به هت‌م بی‌سند متهم می‌کنند؛ هر دو طرف مدعی‌اند که حقیقت با آنهاست. در این میان، تنها چیزی که آسیب می‌بیند، اعتماد عمومی است؛ اعتمادی که در فضای ملتهب اقتصادی و سیاسی امروز کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند تقویت و ترمیم است؛ در هر صورت، آیا اکنون نوبت پاسخ‌گویی نیست؟ آن هم پاسخ از سوی نمایندگان و ساختار رسمی کشور؟

را اصلاح نکني، همراه با جمعی از نمایندگان از تو شکایت خواهیم کرد تا فراموش نکني که حرف بدون سند زدن، هم عقوبت اخروی دارد، هم عقوبت دنیوی». حمید رسایی، دیگر نماینده نزدیک به پایداری‌های مجلس که به‌صراحت از بانیان استیضاح هستی بود نیز در واکنش به این سخنان گفت: «این حرف‌ها برای قرار از مسئولیت است. اگر واقعا سندی در دست دارید، آن را منتشر کنید. چرا در روز استیضاح چیزی نگفتید؟» در ادامه، محسن زنگنه، سخنگوی کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس نیز به میدان آمد. او در توییتی، پیشنهاد کرد، مجلس فرصتی جدید به هستی بدهد: «بر اساس تبصره «یک» ماده ۱۰۷ آیین‌نامه داخلی مجلس، پیشنهاد می‌کنم چهار ساعت وقت به وزیر سابق اقتصاد داده شود تا بدون ملاحظات، همه حرف‌هایی که آن روز نگفت را بیان کند».

یک هشدار تلویحی به وزیر بعدی؟

اظهارات هستی در حالی مطرح شده است که علی مدنی‌زاده، گزینه پیشنهادی دولت برای تصدی وزارت اقتصاد به‌زودی باید در مجلس حاضر شود و رای اعتماد بگیرد. در این شرایط بسیاری این سخنان هستی را نوعی هشدار به وزیر جدید تفسیر می‌کنند؛ هشداري در مورد فشاری که ممکن است از سوی برخی نمایندگان برای انتصاب‌های خاص وارد شود. هستی در بخشی از ویدئوی خود می‌گوید: «اینکه خوب نیست. بیایم علیه بانک مرکزی صحبت کنیم؟ به صلاح نیست علیه بانک مرکزی صحبت کنیم. در مورد چه کسی صحبت کنیم؟ طبیعی است که محکوم می‌شوی و می‌گویند شما نتوانستید جواب بدهید». استیضاح عبدالناصر هستی، یکی از سریع‌ترین استیضاح‌های سال‌های اخیر بود؛ او کمتر از ۷ ماه پس از آغاز کارش در وزارت اقتصاد با ۱۱۶ امضا از سوی نمایندگان به صحن استیضاح کشیده شد. در ظاهر، محور اصلی انتقادات، رشد شدید قیمت دلار و تورم‌فزاینده در ماه‌های اخیر بود اما بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، از همان ابتدا، معتقد بودند که ماجرا فقط اقتصادی نیست. آن‌طور که از همان ابتدا نیز برخی رسانه‌ها بر این باور بودند که استیضاح هستی در ادامه خط تسویه‌حساب‌های سیاسی با دولت فعلی بوده است؛ دولتی که درباره موضوعاتی چون لایحه



هدا احمدی

گروه سیاسی

چند روزی بیشتر از انتشار یک ویدئوی جنجالی از عبدالناصر هستی، وزیر پیشین اقتصاد نمی‌گذرد؛ در همین فاصله کوتاه، فضای سیاسی کشور تحت‌تأثیر شدید حرف‌هایی قرار گرفته است که از پرده بیرون افتاده‌اند. هستی در آستانه عید نوروز و با تلاش پایداری‌های مجلس استیضاح شد. حالا دیگر خرداد ۱۴۰۴ است و گفت‌وگوی صریح و کم‌سابقه‌ای که او با محمدحسین رنجبران، مجری باسابقه صداوسیما انجام داده به یکی از داغ‌ترین موضوعات محافل سیاسی و رسانه‌ای بدل شده است. این گفت‌وگو نشان می‌دهد وزیر پیشین اقتصاد که کمتر از ۷ ماه در راس این وزارتخانه بود، پس از ماه‌ها سکوت تصمیم گرفته است، حقایقی را بیان کند که پیش از این از چشم افکار عمومی پنهان مانده بودند. در این فیل ویدئویی، هستی با زبانی صریح می‌گوید که پیش از جلسه استیضاح، در عمل، همه چیز تمام شده بود. او مدعی است بسیاری از نمایندگان مجلس دوازدهم، پیش از آنکه پایش به صحن استیضاح برسد، تصمیم‌شان را برای برکناری‌اش گرفته بودند. «من واقعا نمی‌خواستم با مجلس کل‌کل کنم. دیدم فایده‌ای ندارد. آن‌ها تصمیم‌شان را گرفته بودند که من را برکنار کنند. برای چه باید در صحن علنی، اطلاعات کشور را فاش می‌کردم؟». او سپس پا را فراتر گذاشته و ادعا می‌کند که بیشتر نمایندگان مجلس نه دنبال سیاست‌گذاری بهتر بلکه در پی گرفتن پست‌هایی در ساختار اقتصادی کشور بوده‌اند: «با صراحت، همه نماینده‌ها یا پست مدیرعاملی می‌خواستند یا عضویت در هیات‌مدیره. شما ببینید! وزارت اقتصاد اختیار دارد که ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ حکم صادر کند؛ این همه مناطق آزاد، بانک‌ها، شرکت‌ها، هیات‌مدیره دارند. هر نماینده می‌خواست نفر خودش را آنجا بگذارد». او با تاکید بر اینکه برخی از نمایندگان حتی در صورت تغییر مدیران مورد حمایتشان نیز واکنش نشان می‌دادند، می‌گوید: «به‌محض اینکه مدیری را جابه‌جا می‌کردم، سریع اعتراض می‌کردند. می‌گفتند چرا فلانی را که ما معرفی کرده‌ایم، برداشتی؟».

تهدید به شکایت

این سخنان، آن هم با چنین صراحتی، به‌سرعت واکنش‌های تند و گسترده‌ای از سوی نمایندگان مجلس را به‌دنبال داشت. امیرحسین ثابتي، نماینده تهران و از طراحان اصلی استیضاح هستی در پيامی در شبکه‌های اجتماعی به‌شدت به هستی تاخت و او را «وزیر سابق و بی‌کفایت اقتصاد» خواند. او نوشت: «اگر ادعایت درست است، به‌صورت مستند اعلام کن بنده که یکی از استیضاح‌کنندگان تو بودم، چه درخواستی برای مدیرعاملی یا عضویت در هیات‌مدیره داشتم؟ اگر اشتباه لفظی کرده‌ای، صریحا عذرخواهی کن و اسم کسانی که چنین درخواستی داشته‌اند را ببر؛ وگرنه به ده‌ها نماینده هت‌م زده‌ای». ثابتي همچنین تهدید کرد در صورت عدم اصلاح ادعا با ارايه مستندات از هستی شکایت قضایی خواهد کرد: «اگر این هت‌م به نمایندگان

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ترجمان مرگ، حضور جاودانه انسان در محضر خداست

برادر ارجمند؛ جناب آقای جهانبخش خانجانی

ضایعه درگذشت مادر مومنه جنابعالی باعث تاثر و تالم فراوان گردید. بدین‌وسیله مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

برای ایشان، رحمت و غفران واسعه الهی و برای شما و خاندان معزز، صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

حزب کارگزاران سازندگی ایران

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

هم‌اندیش گرامی؛ جناب آقای جهانبخش خانجانی

با کمال تاسف و تأثر درگذشت مادر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌نمایم. روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایشان باد.

امیر آریازند، اکبر افتخاری، امیر اقتناعی، علی باقری، علی توکلی‌پرکی، کاوه ثروتی، خدیجه جدا، علیرضا جلالی‌ندوشن، حمید چوبینه، احسان چیت‌ساز، رضا حجتی، محمدرضا رستمی

رضارستمی خرابی، بهزاد روحی، ذبیح‌الله سعیدی، سیدشمس‌الدین سیاسی‌راد، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، حامد شجاعی، حجت شریفی، ابراهیم شیخ، علی صادقی، بهمن صالحی

حمید صالحی، علیرضا طاهری، نیما فاتح، مجید فراهانی، بهرام فیاضی، علی قاسمی، علی اصغر قاسمی، علیرضا کشتکنان، رضامحبی طالقانی

فرید محسنی، سیدعلی اکبر موسوی خوینبی، عبدالله مومنی، حجت‌الله میرزایی، سیدمهدی نادمی، عباس نوربخش



سال هشتم شماره ۱۹۸۶
شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

جدال در کاخ سفید

چرا دونالد ترامپ و ایلان ماسک یک‌باره علیه یکدیگر قیام کردند؟

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل



مشارکت ایلان ماسک در کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۴ به‌عنوان ثروتمندترین فرد جهان که مدیریت تسلا و اسپیس‌ایکس را در اختیار دارد از همان ابتدای امر، زیر ذره‌بین و حتی انتقادهای فراوان قرار داشت. بسیاری از تحلیل‌گران، کنش‌گری ماسک به‌سود ترامپ در کمپین‌های انتخاباتی او و به‌نفع جمهوری‌خواهان را یک سرمایه‌گذاری هدفمند و بلندمدت خطاب می‌کردند؛ این امر با پیروزی مجدد ترامپ و ورود او به کاخ سفید، ابعاد جدیدتری از حیث اقتصادی و سیاسی به خود گرفت. در ابتدای امر، ماسک توانست از این پیروزی به‌نفع انباشت سرمایه خود استفاده کند؛ در سطح بعدی نیز شاهد آن بودیم که احداث نهادهی به نام وزارت کارآمدی دولت در دستورکار قرار گرفت که قرار بر بازیگری موثر ماسک در آن بود اما در این راستا، دخالت‌های ماسک و ورود او به محورها و موضوعات مختلف باعث شد یک

دیدگاه: یادداشت روز

هشدار به اروپا

سیدعباس عراقچی در آستانه نشست فصلی شورای حکام آژانس انرژی اتمی تحرکات انگلیس، آلمان و فرانسه را مغرضانه خواند

گروه بین‌الملل: قبل از اینکه پیشنهاد ایالات‌متحده از طریق عمان به تهران ارسال شود، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مواضعی را در گزارش خود علیه فعالیت هسته‌ای ایران اتخاذ کرد که در عمل، چیزی جز مین‌گذاری سر مسیر مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا قلمداد نمی‌شود. در این مسیر رسانه‌های اروپایی هم به‌صورت کاملاً هدفمند و پله‌کانی، ابتدا گزارش گروسی را منتشر کردند سپس تحلیل‌وتفسیرهای خود و مواضع مقامات اروپا را در این خصوص و در ضدیت با تهران انتشار دادند؛ این روند، حالا به جایی رسیده است که سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان به تروئیکای اروپا (انگلیس، آلمان و فرانسه) هشدار داد و تاکید کرد که ایران مقابل هرگونه نقض حقوق خود، واکنشی قاطع نشان خواهد داد.

عراقچی (جمعه) در «ایکس» نوشت: «پس از سال‌ها همکاری خوب با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (که به صدور قطعنامه‌ای منجر شد که ادعاهای مغرضانه درباره ابعاد نظامی احتمالی (PMD) برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را مخته‌م کرد) کشور من بار دیگر به عدم پای‌بندی متهم شده است». او با بیان اینکه به جای تعامل با حسن‌نیت، سه کشور اروپایی (E۳) دست به اقدامی مغرضانه علیه ایران در شورای حکام آژانس زده‌اند، گفت: «زمانی که این سه کشور در سال ۲۰۰۵ نیز همین رفتار نادرست را در پیش گرفتند، نتیجه آن از بسیاری جهات، تولد واقعی غنی‌سازی اورانیوم در ایران بود. آیا واقعا سه کشور اروپایی طی دو دهه گذشته، هیچ درسی نیاموخته‌اند؟» این دیپلمات عالی‌رتبه کشورمان افزود: اتهام‌زنی نادرست به ایران مبنی بر نقض پادمان‌ها «آن هم بر اساس گزارش‌هایی سست و سیاسی شده» آشکارا با هدف ایجاد بحران صورت می‌گیرد.

رئیس دستگاه دیپلماسی همچنین گفت: «در حالی که اروپا در آستانه یک اشتباه راهبردی بزرگ دیگر قرار دارد، سخن من را به یاد داشته باشید: ایران در برابر هرگونه نقض حقوق خود، واکنشی قاطع نشان خواهد داد. مسئولیت کامل و انحصاری بر عهده بازیگران بی‌مسئولیتی است که برای وارد کردن خود به هر کاری دست می‌زنند».

اعتراض ایران و سنگ‌اندازی گروسی

این مواضع از آن جهت اهمیت دارد که چند روز دیگر، یعنی «۹ ژوئن» (۱۹ خرداد) نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برگزار خواهد شد و بسیاری از رسانه‌های

اختلاف‌نظر عیان در کاخ سفید و میان چهره‌های سیاسی و حتی امنیتی تیم او رخ دهد. کار به جایی رسید که حتی نهادهای امنیتی اسرائیل در خصوص دسترسی ماسک و تیم او به برخی اسناد محرمانه و سری در خصوص کاهش بودجه‌های دولتی به واشنگتن هشدار جدی دادند و در این میان هشداهای متعددی به ترامپ در خصوص نوع رفتار و دسترسی ماسک داده شد. حالا با سپری شدن این فرازونشیب‌های متعدد و کنار رفتن پرده‌ها، ایلان ماسک و دونالد ترامپ مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. به گزارش یورونیوز، ماسک به‌تازگی در پستی با بیان اینکه قصد دارد بمب بزرگ را پرت کند، اعلام کرد که نام رئیس‌جمهور آمریکا در پرونده‌های محرمانه وزارت دادگستری درباره سرمایه‌دار پرنفوذ، جفری اپستین، ذکر شده است. به‌گفته او همین موضوع دلیل عدم انتشار این اسناد است. این اظهارات ماسک به‌دنبال جنگ لفظی علنی و بی‌سابقه میان ثروتمندترین فرد جهان و رئیس‌جمهوری آمریکا عنوان شده است. «جفری اپستین» یک تاجر آمریکایی بود که به دلیل سوء‌استفاده از ده‌ها دختر زیر ۱۸ سال که جوان‌ترین آن‌ها ۱۴ سال داشت، تحت پیگرد قانونی قرار

گرفته بود. او همچنین به راه‌اندازی یک شبکه قاچاق زنان متهم شده بود؛ در نهایت، جسد اپستین در تاریخ «۱۰ آگوست ۲۰۱۹» در سلول زندان مرکزی منهتن نیویورک پیدا شد. بر اساس ادعاها، اپستین با کمک دستیار نزدیکش، گیلین مکسول، ده‌ها دختر زیر سن قانونی را به جزیره «لیتل سیت جیمز» منتقل کرده بود. در این راستا دونالد ترامپ ساکت نماند و ایلان ماسک را دیوانه خواند؛ ایلان ماسک نیز رئیس‌جمهور آمریکا را به دروغ‌گویی درباره خروجش از دولت متهم کرد. ترامپ همچنین تهدید کرد که قراردادهای دولتی رئیس تسلا را قطع خواهد کرد. این تهدید علنی و صریح پس از آن مطرح شد که ترامپ در دیدار با صدراعظم جدید آلمان در کاخ سفید به شکل عمومی به موضوع ایلان ماسک پرداخت.

ادامه‌سر مقاله

فرست تولد یک گفتمان

متاسفانه، اکثریت وزرا چنین حسی و مسئولیتی را برای خود قائل نیستند به‌ویژه وزرای بخشی که از اساس، خود را بیرون از عرصه سیاست و گفتمان‌سازی می‌بینند اما نقش وزارت‌خانه‌های غیربخشی، به‌ویژه وزارت کشور، در این میان برجسته است. در دوره‌های آقای خاتمی و آیت‌الله هاشمی، وزیر کشور در عمل، قائم‌مقام رئیس‌جمهور در بخش مهمی از ماموریت‌های دولت بود و در تراز بالایی از سیاست داخلی ایفای نقش می‌کرد اما امروز، کسی چنین نقشی برای وزارت کشور متصور نیست؛ هرچند ظرفیت آن وجود دارد. وزیر کشور فعلی، جناب آقای مومنی، برغم‌پیشینه نیروی انتظامی و تجارب متعدد عملیاتی، خوشبختانه از توان بالایی برای ایفای نقش مدنی و جامعه‌محور برخوردار است؛ تصویری که از او در گذشته در رسانه‌ها ثبت شده، نیز نشان‌گر وجود فهم‌روشن و مردم‌دلی درنگاه اجتماعی و شهروندی در مدیریت است. این سرمایه انسانی و مدیریتی باید در موقعیت فعلی فعال شود. نقش وزارت کشور، فراتر از امری اداری برای انجام انتخابات و امنیت داخلی است. این وزارت‌خانه باید به مرکز ثقل گفت‌وگوهای ملی تبدیل شود؛ جایی برای برقراری پیوند میان حاکمیت و جامعه. این پیوند باید از طریق برگزاری نشست‌ها، گفت‌وگو با نخبگان، همایش‌ها و حضور فعال در بحث‌های عمومی برقرار شود. امروز با تمام امیدی که به این وزارتخانه فرابخشی داریم اما صدایی شنیده نمی‌شود، در حالی که نیاز داریم این وزارت‌خانه، زبان گویا و تصویر تمام نما و چهره سیاسی دولت باشد. ساخت گفتمان فقط کار رئیس‌جمهور نیست. این مسئولیت باید به نهادهای کلیدی‌ای واز همه واجب‌تر به وزارت کشور واگذار شود. این وزارت‌خانه با گستره وسیع بدنه خود- از ۳۰ استاندار و ۲۵۰ فرماندار، تا هزار بخش‌دار و ده‌ها هزار دهیار- اگر به‌درستی در مسیر گفتمان‌سازی قرار گیرد، نه‌تنها جایگاه خود را ارتقا می‌دهد بلکه می‌تواند چهره‌ای سیاسی و اجتماعی به کل دولت ببخشد. مسعود پزشکیان اکنون در جایگاه قهرمان برای ایفای نقش تاریخی و ملی خود قرار دارد. برای ماندگاری این نقش باید دولت او زبان گویا، شفاف، صادقانه و مردمی داشته باشد؛ زبانی برای گفت‌وگو، برای اقناع، برای پیوند با جامعه. اگر این زبان ساخته نشود، حتی موفقیت یک‌دوره‌ای نیز ممکن است در تاریخ فراموش شود اما اگر ساخته شود نه‌تنها می‌توان دو دوره ریاست‌جمهوری را سامان داد بلکه گامی به‌سوی بازسازی سرمایه اجتماعی برای آینده است.

ایران، محور گفت‌وگوی ترامپ و بوتین
نکته بسیار مهمی که در این مسیر باید مورد نظر قرار گیرد، گفت‌وگوی تلفنی دونالد ترامپ و ولادیمیر بوتین، روسای جمهور آمریکا و روسیه است. ترامپ در «تروث‌سوشال» به گفت‌وگوی یک‌ساعت و ۱۵دقیقه‌ای خود با بوتین اشاره کرد و نوشت: «ما همچنین در مورد ایران و این واقعیت که زمان برای تصمیم ایران در مورد سلاح‌های هسته‌ای رو به اتمام است و هرچه سریع‌تر باید تصمیمی اتخاذ شود، صحبت کردیم! من به رئیس‌جمهور بوتین گفتم که ایران نمی‌تواند، سلاح هسته‌ای داشته باشد و در این مورد معتقدم که ما با هم توافق داریم». ترامپ همچنین نوشت: «رئیس‌جمهور بوتین پیشنهاد داد که در مذاکرات با ایران شرکت خواهد کرد و شاید بتواند در به نتیجه رساندن سریع این موضوع مفید باشد. به‌نظر من ایران در مورد این موضوع بسیار مهم، در تصمیم‌گیری خود تعلل کرده است و ما در مدت زمان بسیار کوتاهی به پاسخ قطعی نیاز خواهیم داشت!» در این خصوص، یوری اوشاکوف، دستیار رئیس‌جمهور روسیه نیز اعلام کرد که «لطیف وسیعی از مسائل بین‌المللی مورد بحث قرار گرفت اما روی وضعیت نسبتاً معلق مذاکرات ایران و آمریکا تمرکز خاصی شده بود. دونالد ترامپ معتقد است که ممکن است اینجا به کمک روسیه نیاز باشد. او سپاس‌گزار خواهد بود اگر روسیه بتواند بر این اساس با طرف ایرانی همکاری کند».



سال هشتم شماره ۱۹۸۶
شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۴



تازه‌های ادب و هنر

کافه

وبترین: تازه‌های کتاب

آینه میراث غنی اسلام شیعی

جلد هشتم دانشنامهٔ **اسلامیکا** منتشر شد



جلد هشتم از مجموعهٔ ۱۶ جلدی «دائرةالمعارف اسلامیکا» (Encyclopaedia Islamica) به سرویراستاری فرهاد دفتری و زندی‌یاد ویلفرد مادلونگ از سوی انتشارات بریل منتشر شد. اثری که نسخهٔ انگلیسی و مختصر دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به سرویراستاری کاظم موسوی بجنوردی است.

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن توجه ویژه به اسلام شیعی و میراث غنی و متنوع آن و نیز ایران فرهنگی است، که آن را مکمل دائرةالمعارف‌های دیگر به زبان‌های غربی می‌کند، ازجمله دائرةالمعارف اسلام، چاپ انتشارات بریل با بیش از یک‌قرن سابقه و با نگاه اهل سنت به اسلام، «اسلامیکا» علاوه‌بر ارائهٔ مدخل‌هایی دربارهٔ موضوعات و شخصیت‌های مهم در اسلام به‌طور عام، این امکان را به خوانندهٔ غربی می‌دهد تا اسلام شیعی و ایران فرهنگی را نیز به‌نحو خاص بشناسد. «اسلامیکا» نتیجهٔ هم‌کاری مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و مؤسسهٔ مطالعات اسماعیلی است که با نظارت علمی احمد پاکتچی در تهران و رضا شاه‌کاظمی در لندن و نیز مدیریت شهرام خداوردیان در تهران و وندی رابینسون در لندن در حال فعالیت است. هم‌چنین ایزابل میلر، استیفن هرتستاین، راسل هریس، محمد عیسی ویلی، نجم عباس، مرجان افشاریان و مهران نوری از اعضای تیم ویراستاری «اسلامیکا» هستند.

جلد هشتم اسلامیکا با مدخل «حبیب عجمی» (Ḥabīb al-ʿAjamī) آغاز می‌شود و با مدخل «حویزی، عبدعلی» (al-Huwayzī) پایان می‌یابد و شامل مقالاتی دربارهٔ امامان شیعیان: امام حسن مجتبی (ع)، امام حسین (ع)، امام حسن عسکری (ع) و شخصیت‌های شیعی از جمله علی بن حسین (علی‌اکبر)، حبیب بن مظاهر و علامهٔ حلّی است. در میان مشاهیر ایران فرهنگی در این جلد، مدخل حافظ می‌درخشد. از بزرگان صوفیه، مقالاتی دربارهٔ حسن بصری، هجویری، خواجه عبدالله انصاری هروی و حلاج آمده است هم‌چنین شامل مقالات مهمی دربارهٔ آیین حج، علم حدیث، نهاد حوزهٔ علمیه و مفهوم حقیقت است. مقایسهٔ کُتی مقالهٔ «امام حسن عسکری (ع)» در اسلامیکا، به قلم احمد پاکتچی در ۱۲هزارو۸۴۶ کلمه، با همین مدخل در ویراست دوم دائرةالمعارف اسلام، در ۷۸۴ کلمه، نمونه‌ای گویا از تمرکز اسلامیکا بر معارف شیعی است. جلد هشتم دانشنامهٔ اسلامیکا در ۱۸۰ صفحه با تعدادی قریب به ۳۰۰ اشتراک آن‌لاین مستمر از کتابخانه‌های دانشگاهی، افراد و مراکز علمی در غرب است که برای این نوع آثار مرجع رقم بسیار مهمی به شمار می‌رود، به‌بهای ۵۷۵ یورو از سوی انتشارات بریل، کهن‌ترین و معتبرترین ناشر آثار استشراقی در مغرب‌زمین با ۳۴۲ سال پیشینه، در لایدن هلند نشر یافته است.

دانشنامهٔ اسلامیکا (Encyclopaedia Islamica) با اختصار EIs - که در واقع «نسخه انگلیسی» (و نه صرفاً ترجمهٔ انگلیسی) دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است- در واقع دانشنامه‌ای تخصصی در حوزهٔ مطالعات ایرانی و اسلامی است. سیدکاظم بجنوردی دربارهٔ جایگاه و اهمیت دایره‌المعارف اسلامیکایمی‌گوید: «مسلمانان رخدادهای استثنایی از افتخارات بی‌پدیل نظام جمهوری اسلامی ایران است که نه فقط وزنهٔ علمی دانشمندان ایرانی را به مردم جهان می‌شناساند که مسلماً اعتبار بسیار ارزنده‌ای است که دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به عنوان یک اثر مرجع و مستند مورد استفاده همه کسانی قرار می‌گیرد که در غرب و دیگر نقاط جهان که در زمینهٔ یکی از وجوه فرهنگی اسلامی و ایرانی به‌ویژه در عرصه تشیع پژوهش می‌کنند به کرات بدین اثر ارجاع می‌دهند. راجع به اهمیت دایره‌المعارف [اسلامیکا] همین اندازه کافی است که بگویم، داشتن یک دایره‌المعارف مانند دایره‌المعارف بزرگ اسلامی که اغلب مقاله‌های آن از ارزش علمی و پژوهشی برخوردار است به مثابه داشتن یک کتاب‌خانهٔ بزرگ است. زیرا همهٔ مقاله‌های این اثر عظیم با استناد به منابع معتبر به زبان‌های مختلف بوده و هر استاد و پژوهش‌گر می‌تواند برای رساله، مقاله در هر رشته‌ای از علوم انسانی - اسلامی و ایرانی از آن بهره کافی بگیرد و اگر متخصص باشد و تلاش بیشتری کند، می‌تواند بر منابع و اطلاعات داده شده آن بیفزاید که این خود باعث می‌شود ما در ویرایش‌های بعدی از چنین افزودهای برای تکمیل مقاله‌های خود استفاده کنیم. مهم‌ترین هنر مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در ایجاد رسم و نظم و روشی است که می‌تواند پژوهش‌گران زیادی تربیت کند و آنان را در مسیر تحقیق و تخصص یافتن قرار دهد. شایسته ذکر است که این کارهای عظیم با یاری مشایخ ما میسر شده است.» بر اساس نقدهایی که در نشریات تخصصی حوزه‌های مطالعات ایرانی و اسلامی در داخل و خارج کشور منتشر شده‌اند و نیز نظرات بسیاری از پژوهش‌گران و منتقدان، انتشار مجلدات اسلامیکا توسط انتشارات بریل در لیدن بازتاب گسترده و چشم‌گیری در محافل دانشگاهی و پژوهشی داشته تا جایی که «اسلامیکا» را به عنوان رقیبی جدی برای دائرةالمعارف تخصصی اسلام اروپا (Ei2) - که غالب نویسندگان آن غربی هستند- مطرح ساخته است. سعی بر آن بوده تا دانشنامهٔ اسلامیکا که غالب مقالات آن توسط پژوهش‌گران ایرانی تألیف شده‌اند، ضمن استفاده از آثار و دستاوردهای ارزشمند خاورشناسان غربی، از اسسارت در رویکردهای محدود به خاورشناسی کلاسیک - که سایهٔ آن بر تحقیقات مشابه از جمله دائرةالمعارف اسلام اروپا سنگینی می‌کند - فاصله گرفته و به اثری تبدیل شود که تا حد ممکن، بتوان آن را از نظر محتویات و رویکردها و نیز به لحاظ نقاط تأکید مستقل دانست

و این مسیری است که امکان

آفرینش دیالوگی اصیل و

«برخاسته از درون» را با سایر

فرهنگ‌ها میسر می‌سازد. در

همین راستا، تلاش شورای

علمی اسلامیکا همواره بر

آن بوده است تا غفلت برخی

طی‌های پژوهشی مشابه

نسبت به برخی ساخت‌ها و

زوایای فرهنگی مناطق شرقی

جهان اسلام در این دانشنامه تا

حدی جبران شود.

جلد هشتم
دایره‌المعارف
اسلامیکا

سرویراستاری: فرهاد

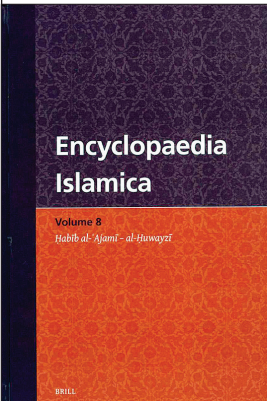
دفتری و ویلفرد

مادلونگ

انتشارات بریل

۱۸۰ صفحه

۵۷۵ یورو



انسان‌شناس خاص

نکوداشت **امیلیا نرسیسیان**س در خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی

آیین نکوداشت «دکتر امیلیا نرسیسیان» به همت گروه علوم اجتماعی خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی، دوشنبه ۱۲ خرداد در سالن حافظ خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. امیلیا نرسیسیان انسان‌شناس، مردم‌شناس و استادیار دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. دکتر نرسیسیان مدیر گروه انسان‌شناسی دانشکدهٔ علوم اجتماعی در دانشگاه تهران هم‌چنین مدیر گروه مطالعات انسان‌شناسی فرهنگی انجمن جامعه‌شناسی ایران بوده است. از او کتاب‌ها و مقالات انسان‌شناسی متعددی منتشر شده که از جمله می‌توان به «انسان‌شناسی جنسیت» و «زبان در گسترهٔ فرهنگ» اشاره کرد. نرسیسیان درس «انسان‌شناسی جنسیت» را به عنوان یکی از دروس جدید دانشجویان انسان‌شناسی ارائه و تدریس کرد و کتاب «انسان‌شناسی جنسیت» نتیجه و جمع‌بندی کلاس‌های این درس است. دکتر نرسیسیان، وجود این واحد درسی و کتاب را مدیون دانشگاه تهران و دانشجویان آن عنوان می‌کند و بر این عقیده است که نیاز ایجاد این مبحث در اثر نیاز دانشجویان به این‌گونه مباحث احساس شد که نهایتاً در غالب درس دانشگاهی، کتاب و مقالات متعددی نمود پیدا کرد.

متمرکز بر فهم فرهنگ از رهگذر زبان

در ابتدای این نکوداشت لیلیا اردبیلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی، گفت: «خوشا به حال کسانی که در طول علم‌ورزی‌های‌شان در عرصه‌ای چنان فعالیت می‌کنند که نام‌شان یادآور یک حوزهٔ خاص است. خانم دکتر نرسیسیان کسی است که در طول سال‌های فعالیت دانشگاهی، شاهد بودیم چگونه متمرکز بر فهم فرهنگ از رهگذر زبان بود. وقتی به تاریخ علم انسان‌شناسی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم اندیشمندان این حوزه عمیقاً به زبان توجه داشته‌اند. در علوم اجتماعی بعضاً ما زبان را به عنوان یک پکیج بازنشده در نظر می‌گیریم. کلاس‌های درس خانم دکتر همواره یکی از کاربردی‌ترین کلاس‌ها برای دانشجویان بود.»

در ادامه، آندرانیک سمونیان، مترجم زبان ارمنی، بیان داشت: «این اقبال را داشته‌ام که در چند همایش بین‌المللی کنار خانم دکتر باشم. در جامعهٔ ارمنی، هر وقت کاری پیش آمده یا دعوتی از استاد کرده‌اند، با کمال میل پذیرا بوده و گزارش کاملی از آخرین

نقدفیلم

روایت دوره حیرت

نگاهی به **مستند** الکافی ساخته مسعود طاهری



محمدعلی امیرمهرزی

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

همه پژوهش‌گران علوم اسلامی به‌خوبی آگاه هستند، کتاب «الکافی» جناب کلینی از چه اهمیتی برخوردار است و نیاز به یادآوری این اهمیت نیست. گذشته از این، به‌نظر بنده، این کتاب نشان‌گر دو نکته بسیار هوشمندانه در زمینه نگاه تاریخی به تحول دینی تشیع است:

۱ نکته نخست اینکه، شیخ کلینی به‌طور کامل، به آشفته‌گی آنچه که شیعیان آن را «دوره حیرت» نامیده‌اند، آگاهی دارد. او نگران سرنوشت تاریخی مذهب خویش است. تشویش او یادآور تشویشی است که نزد ائمه‌اطهار به‌ویژه امام جعفرصادق [علیه‌السلام] در باب «روایه الکتب و الحدیث» در کتاب «فضل العلم» اصول کافی به‌چشم می‌خورد. امام جعفرصادق [علیه‌السلام] دوره ناپسامان و پرخشونت انقلاب عباسی و برافتاد بنی‌امیه را شناخته است و چنین می‌نماید که می‌پندارد در این دوران اگر احادیث و تعالیم دینی، کتابت نشوند و به دفاتر انتقال

نیابند، خطر از بین رفتن همیشگی آنها بسیار جدی است؛ از این‌رو، گاه با لحنی نگران از مومنان و شاگردان خود می‌خواهد که هرچه زودتر، احادیث را به‌صورت نوشته درآورند تا حفظ و نقل آنها تضمین شود. روایت این احادیث در یکی از اولین فصول کتاب الکافی، بدون‌شک، اتفاقی نیست. کلینی هم نگران حفظ و نقل تعالیم مقدس دین خود است؛ دوره پرتشویش حیات خود و زلزله در ارکان تشیع به‌علت غیبت امام و بالا گرفتن فتنه و اختلاف میان مومنان شیعه را خطری جدی در این زمینه تلقی می‌کند و دست به تهیه اثر سترگ خود یعنی کتاب «الکافی» می‌زند که در نوع خود یگانه است؛ به این معنا چنان‌که عنوان این کتاب (الکافی) نشان می‌دهد، هدف از آن، نقل هزاران حدیث در هزاران صفحه است تا مومنان شیعه کتابی کافی برای فهم دین خود در همه ابواب ایمان را در اختیار داشته باشند تا این‌گونه، مذهب‌شان از خطر تضعیف جدی بلکه نابودی محض، محفوظ بماند.

۲ نکته دوم هوشمندانه‌ای که به آن اشاره رفت، استقبالی است که خیلی زود ثبت بهشهر مستند مالکیت سهم الارث به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی: ۱۹۴۲۰۹۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

محمدحسن صادقی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض علی خانی شماره شناسنامه ۹ بشماره ملی ۲۱۲۲۱۴۵۸۴۶ صادره از گـرگان فرزند عباسعلی متقاضی کلاسه پرونده ۰۲۱۶۹-۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۶۱۱/۵۶ متر مربع از پلاک شماره ۱۷ - اصلی واقع جلین علیا بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را شناسه آگهی ۱۹۴۴۱۳۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲
مهدی شاه مهـری – کفـیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان
از طرف محمد فندرسکی

۲۳۴

دیدگاه: یادداشت سینمایی

نقد فیلم؛ معیار یا سلیقه؟

علت اختلاف نظر منتقدان سینمایی چیست؟



مهرزاد دانش

منتقد

بسیاری از سینمادوستان برای آگاهی بیشتر از حال‌وهوای یک فیلم، به‌نقد منتقدان مراجعه می‌کنند. آنها گاهی قبل از رفتن به سینما یا نشستن مقابل دستگاه نمایش خانگی، نظرات منتقدان را جویا می‌شوند تا ببینند چه اثری برای دیدن بهتر است؛ برخی اوقات نیز بعد از تماشای یک فیلم به رسانه‌های سینمایی مراجعه می‌کنند تا درباره آن فیلم تامل و تحلیل دقیق‌تری به‌دست آورند اما اینجا یک مشکل وجود دارد؛ آن مشکل، این است که گاهی میان نظرات منتقدان نیز تفاوت‌های بارزی وجود دارد. البته برخی از نویسندگان سینمایی که نام منتقد فیلم را یدک می‌کشند، نه بر اساس سنجه‌های سینمایی که بر مبنای میزان عوایدی که از طرف عوامل سازنده اثر نصیبشان می‌شود، اقدام به مثبت‌نویسی درباره فیلمی یا منفی‌نویسی درباره فیلم رقیب می‌کنند. برخی هم بنابر حب‌وبغض‌هایی که به دلایل مختلف شخصی از هنرمندی دارند، درجه منفی و مثبت‌نویسی خود را تنظیم می‌کنند. این جماعت قاعدتا از دایره منتقدان مورد نظر در این یادداشت بیرون هستند. منظور از منتقدانی که درباره فیلمی اختلاف‌نظر اساسی دارند، نویسندگانی هستند که عوامل مختلف اثبات کرده‌اند افرادی باسواد، معتبر و سالم هستند و گذر زمان از آنها شمایلی پرورانده است که به‌عنوان مراجع تخصصی تحلیل فیلم شناخته شده‌اند. حالا یک مخاطب که می‌خواهد، فیلمی را برای دیدن برگزیند یا درباره فیلمی که دیده است، می‌خواهد تحلیلی مناسب دریافت دارد، نظر کدام منتقد را انتخاب کند؟ و اصلا چرا بین منتقدان باسواد و متخصص درباره فیلمی اختلاف‌نظر وجود دارد؟ مگر معیار ارزیابی یک فیلم، سنجه‌های سینمایی نیست؟ پس اختلاف‌نظر از کجا ریشه می‌گیرد؟ مبنای اینکه گاهی فیلمی که از سبوی یک منتقد به‌عنوان اثری برجسته ستایش می‌شود از منظر منتقد دیگری، اثری متوسط یا حتی ضعیف تلقی می‌شود از کجا ناشی می‌شود؟ آیا فقط به سلیقه شخصی منتقدان بازمی‌گردد یا عوامل دیگری نیز در این اختلاف‌نظرها دخیل هستند؟

نمی‌توان منکر شد سلیقه شخصی به‌عنوان یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر تجربه انسانی در نقد سینمایی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. سلیقه، مجموعه‌ای از ترجیح‌های فردی است که تحت‌تاثیر عواملی چون پیشینه فرهنگی، تجربیات شخصی، ارزش‌ها، باورها و خلق‌وخوی فرد شکل می‌گیرد. یک منتقد ممکن است به‌دلیل علاقه به سینمای تجربی، فیلم‌هایی با ساختار غیرمتعارف را بیشتر بپسندد، درحالی که منتقد دیگری که به روایت‌های کلاسیک علاقه دارد، همان فیلم را آشوب‌ناک یا نامنسجم ارزیابی کند. منتقدی که دنبال کشف ایده‌های نو در سینماست به آثار ابرقهرمانی به‌عنوان آثاری سخیف و بنجل می‌نگرد و منتقدی دیگر همین فیلم‌های ابرقهرمانی را از زاویه‌های نو تحلیل و بررسی می‌کند. منتقدی وابسته به طبقه اجتماعی یا دیدگاهی سیاسی، خواننده‌خواه، بخشی از پسندوناپسند خود را نسبت به یک فیلم بر مبنای تعلقات طبقاتی و دیدگاهی خود ارائه می‌دهد و منتقدی در یک رده طبقاتی و ایدئولوژیک دیگر، چه‌ب سا تحلیلی متفاوت‌تر درباره همان فیلم ابراز دارد.

اما آیا این ماجرا نفی‌کننده نقش معیارهای سینمایی در نقد است؟ معیارهای سینمایی، مجموعه‌ای از استانداردها و اصول حرفه‌ای هستند که منتقدان برای ارزیابی یک فیلم از آنها استفاده می‌کنند و به منتقدان کمک می‌کنند تا تحلیل خود را بر پایه استدلال‌های عینی‌تر بنا کنند؛ برای مثال، در نقد فیلم «انگل» ساخته «یونگ جون-هو»، برخی منتقدان بر کیفیت بالای کارگردانی و فیلم‌نامه تاکید داشتند اما برخی از آنها در مورد پیام‌های اجتماعی فیلم یا پایان‌بندی آن اختلاف‌نظر داشتند. این اختلاف‌ها نشان می‌دهند که حتی با وجود معیارهای مشترک، تفسیر این معیارها می‌تواند تحت‌تاثیر دیدگاه‌های شخصی قرار گیرد؛ با این حال، سلیقه و معیارهای سینمایی در نقد فیلم به‌صورت جدایی‌ناپذیر با یکدیگر در ارتباط هستند. معیارهای سینمایی مانند چارچوبی عمل می‌کنند که سلیقه را هدایت و منظم می‌کنند اما سلیقه به این چارچوب رنگ و جهت می‌دهد؛ به عبارت دیگر، معیارهای سینمایی ابزارهایی هستند که منتقد با استفاده از آنها فیلم را تحلیل می‌کند اما نحوه وزن‌دهی به این معیارها و اولویت‌بندی آنها تا اندازه‌ای به سلیقه او بستگی دارد.

منتقدان از فرهنگ‌ها و جوامع مختلفی می‌آیند و این زمینه‌ها بر درک آنها از فیلم تأثیر می‌گذارد. همچنین منتقدانی که در ژانر و سبک خاصی تخصص دارند یا مطالعات دانشگاهی در رشته‌ای مشخص دارند، چه بسا ممکن است، معیارهای متفاوتی را برای ارزیابی فیلم‌ها به‌کار گیرند؛ به همین یفزاید انتظارات پیشینی یک منتقد از یک فیلم را که ممکن است بر قضاوت او تأثیری متفاوت از منتقدی دیگر بگذارد. گاهی اوقات نیز شرایط زمانی و مکانی بر نظر منتقد تأثیر می‌گذارد که تفاوت لحن‌ها را شکل می‌دهد. حال چگونه باید این چالش را که «آیا دخالت سلیقه شخصی، اعتبار نقد سینمایی را زیر سوال نمی‌برد»، حل کرد؟ نقد سینمایی مانند هر تحلیل هنری دیگر، ذاتاً ترکیبی از عینیت و ذهنیت است. سلیقه به منتقد کمک می‌کند با فیلم ارتباط عاطفی و شخصی برقرار کند، درحالی که معیارهای سینمایی این ارتباط را در چارچوبی منطقی و حرفه‌ای قرار می‌دهند. در واقع، ارزش نقد حرفه‌ای در توانایی منتقد برای توازن بین این دو عنصر نهفته است. اختلاف‌نظرهای اساسی میان منتقدان اغلب به تفاوت در سلیقه، اولویت‌های زیبایی‌شناختی، زمینه‌های فرهنگی و انتظارات پیشینی بازمی‌گردند. معیارهای سینمایی حرف اول را می‌زنند اما وزن‌دهی به این معیارها و تفسیر آنها تحت‌تاثیر دیدگاه‌های شخصی و زمینه‌های فرهنگی منتقدان است. این تنوع در دیدگاه‌ها نه‌تنها نشانه غنای سینماست بلکه به تماشاگران امکان می‌دهد از زوایای مختلف به یک اثر بنگرند.



در ادامه، روح‌الله نصرتی، معاون فرهنگی دانشگاه تهران، ابراز داشت: «۲۷ سال است که خانم دکتر را از دورهٔ کارشناسی می‌شناسم. آن موقع ارتباط و تعامل با استادان کار سختی بود اما در همان زمان‌ها دانشجویان ارتباط بسیار گرم و صمیمی با خانم دکتر داشتند. او انسان‌شناسی را زیست کرده و همیشه می‌گفت من از دانشجویان خودم یاد می‌گیرم. او یک سری ویژگی‌های خاص داشت. یک معلم و استاد به تمام معنا بود. به نظرات دانشجویان بها می‌داد. همسرش نیز یک استاد برجسته و افتخار دانشگاه تهران بود. وی پنیانگذار علم رویاتیک در دانشگاه تهران بود. از خانم دکتر تقاضا می‌کنم تجربهٔ زیسته خود از دانشگاه را بنویسد.»

دانشگاه مکانی است برای تحقق آمال

در پایان، امیلیا نرسیسیانس، گفت: «احساس فعلی‌ام سرشار از شادی و خرسندی است و این لحظات پرشور را مدیون برگزارکنندگان این مراسم هستم و از آنان قدردانی می‌کنم. عزیزانی که به این مراسم آمده‌اند، همگی من بر منت گذاشته‌اند و از آنان تشکر می‌کنم. دانشگاه مکانی است برای تحقق آمال، نه فقط برای اساتید بلکه برای دانشجویان نیز چنین است. دانشگاه مکانی است برای تأمین دوستی‌ها بین اساتید، بین دانشجویان و بین اساتید و دانشجویان. در این‌جا لازم می‌دانم از همسر و همراه زندگیم نیز یاد کنم.»

کتاب امروزین گم‌شده شیخ صدوق یعنی «مدینه العلم» را کنار این چهار کتاب آورده است اما در نهایت، اهل تشیع کتب اربعه را به‌عنوان اُس‌واساس مکتوب دین خود برشمرده‌اند. آنچه قابل‌توجه است، اینکه کافی کلینی یک فرق‌بنیادی با [من‌لایحضره] الفقیه و تهذیب و استبصار شیخ طوسی دارد و آن، این است که برخلاف این سه کتاب که فقط شامل احادیث فقهی هستند، الکافی افزون‌بر قسمت فروع [فقه]، بخش عظیمی را به اصول اعتقادی مذهب تشیع اختصاص داده، یعنی پایه‌های ایمانی و معنوی تشیع؛ همین موضوع باعث شده است که میان این چهار کتاب، بدون‌تردید، «الکافی» کلینی مهم‌ترین کتاب محسوب می‌شود. نتیجه برشمردن کافی به‌عنوان یکی از کتب اربعه، ماندگاری تعالیم ایمانی و عرفانی و باطنی میان جمع کثیری از مومنان شیعه است و نگه‌داری این دین از تبدیل شدن به یک مذهب فقهاتی صرف و تسرل آن به مجموعه‌ای از عقاید فقهی و اصول حقوقی؛ این نکته نمودار درخشانی از هوشمندی تاریخی و معنوی حافظان واقعی دین امامان شیعه است.

اهمیت فیلم «کلینی» اثر مستندساز مجرب و بااستعداد «مسعود طاهری» در این است که برای نخستین‌بار در یک اثر هنری مدرن، سنت قدیم بزرگداشت این محدث عظیم‌الشان را ادامه داده همچنین در آن از نظریات دانشمندان و مورخان به‌معنای جدید این کلمات بهره گرفته است. به این ترتیب، فیلم او را می‌توان به‌عنوان متممی زیبا، همه‌فهم و مستند بر ادبیات رجالی شیعه به‌حساب آورد؛ زحمات کارگردان با جور و شکور باد.

*** فیلم مستند «الکافی»،** حکایتی است از سرگذشت «ابوجعفر محمد بن‌ یعقوب کلینی» و تالیف کتاب «الکافی»، مهم‌ترین کتاب مذهب تشیع که سعی شده است در این فیلم، اهمیت و ویژگی‌های این کتاب روایت شود.

ابراز داشت: «در علوم اجتماعی موقعیت زنان در اقلیت است اما در انسان‌شناسی اتفاق دیگری می‌افتد و حضور زنان را می‌بینیم. در ایران هم این اتفاق رخ می‌دهد و به تدریج حضور زنان را داریم. الان در انجمن انسان‌شناسی، فعال‌ترین کارگروه، کارگروه‌های زنان است. آدم‌ها وقتی می‌خواهند به دیگری بپردازند، یک توانایی از شنیدن و هم‌دلی می‌خواهند که انگار این هنر در زنان بیشتر است. حضور موفق و ماندگار خانم دکتر نشان می‌دهد این رشته چه آینده خوبی دارد. حضور افراد شایسته‌ای چون او مایه آبرو و فخر این رشته است. برای من مایهٔ خرسندی است که جزء رشته‌ای هستم که خانم دکتر از بزرگان آن است.»

فرصت دوزبانگی

در ادامه، روبرت صافاریان، مدرس و تحلیل‌گر فیلم، گفت: «بالای ۵۰ سال است که خانم دکتر را می‌شناسم. سخنرانان قبلی همه روی مهربانی وی تأکید کردند. او مسألهٔ دوزبانگی را مطرح کرد. دو زبانگی در گفتمان ناسیونالیستی یک خطر تلقی می‌شود، به این معنی که همه نگرانیم که آشنایی با زبان دوم ممکن است باعث فراموشی زبان مادری‌مان شود و به دیدگاه تگ‌نظرانه منجر می‌شود. دو زبانگی یک چیز مخصوص ارمنی‌ها نیست و اکثر ایرانی‌ها دو زبانه هستند. از نظر استاد، دو زبانگی یک خطر نیست بلکه یک فرصت است.»



بازشناخته و از آن تقدیر به‌حق کرده‌اند؛ حتی تاریخ‌نگار اهل سنت (ابن‌اثیر)، کلینی را مُجَدِّد تشیع در سال ۳۰۰ هجری معرفی کرده، همان‌گونه که امام باقر و امام رضا [علیهما‌السلام] را مجددان مهروموم‌های ۱۰۰ و ۲۰۰ برخوانده است. مهم‌ترین نتیجه این قدردانی‌ها، برشمردن کتاب الکافی به‌عنوان یکی از «کتب اربعه» حدیث شیعه است. درست است که اصطلاح «کتب اربعه» متاخر می‌نماید، چراکه گویا، نخستین‌بار در قرن دهم در آثار شهید ثانی و محقق اردبیلی ذکر شده‌اند و حتی هم‌زمان با این دو، شیخ بهایی در «وصول‌الاخبار الی اصول‌الاجبار» خویش،

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۲۱۴۹ تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی بنام آقای مهدی امیدوی رباطی فرزند احمد در ششدانگ یکقطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۵۰/۴۱ مترمربع به شماره کلاسه ۱۴۰۳/۱۸۳۳ قسمتی از پلاک ۷۱ فرعی از ۴۹- اصلی واقع در اراضی خلیل شهر بخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده مع واسطه از مالک رسمی اسماعیل عسگری رباطی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۹۳۶۳۶۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

معمدهحسن صادقی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی رسمی

برابر رای شماره ۵۲۶۰۰۰۲۰۳۱۰۴۶۰۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ... تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲/۶۷۳۹ بنام آقای محمد نجفی تیرتاشی فرزند اکبر نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۱ اصلی (واقع در مزرعه پایینتر از خدمات – ملامحله) به مساحت ۲۶۶۲/۰۸ مترمربع واقع در بخش ۱۹ اراضی لمراسک و تیرنانش مستند مالکیت ثلث نامه مورخ ۱۳۸۵/۰۴/۱۹ و گزارش کارشناسان و استشهادهی ارائه شده و گواهی عدم دسترسی

به مالک اولیه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۹۴۲۸۵۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

جعفر رسولی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گلوگاه



دیدگاه: یادداشت روز

هژمونی رکود

چرا بازار سهام قدرت رشد ندارد؟

مهتاب شهریار

گروه اقتصاد

بازار سهام در هفته گذشته، تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل غیربازاری و ساختاری، یکی از پرچالش‌ترین مقاطع خود را در سال جاری پشت سر گذاشت. نشانه‌های ضعف سمت تقاضا در معاملات سهام، ادامه‌دار بودن حباب منفی در صندوق‌های اهرمی و کاهش ارزش معاملات نسبت به میانگین سال، حکایت از وضعیت رکودی بازار دارد که ریشه آن را باید در ابهامات سیاسی، ضعف سیاست‌گذاری اقتصادی و نااطمینانی فعالان بازار جست‌وجو کرد. در هفته گذشته، بازار سهام با افزایش معنادار عرضه‌ها مواجه شد. این در حالی است که سمت تقاضا، ضعیف‌تر از ماه‌های گذشته ظاهر شد و به‌طور متوسط، ارزش معاملات خرد سهام به کانال ۹ هزار میلیارد تومان (۹همتی) سقوط کرد؛ این رقم در مقایسه با میانگین سال جاری که در کانال ۱۳ همتی قرار دارد، افتی محسوس را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که سرمایه‌گذاران با احتیاط بیشتری نسبت به ورود نقدینگی به بازار رفتار می‌کنند. از نگاه کارشناسان، این کاهش ارزش معاملات در شرایطی رقم خورده که ابهامات پیرامون مذاکرات هسته‌ای و رویکرد نامشخص سیاست‌گذار اقتصادی، فضای انتظاری را بین فعالان بازار تشدید کرده است. کارشناسان بر این باور هستند که حباب منفی در صندوق‌های اهرمی نه‌تنها نشانه‌ای از فقدان بازارگردانی بلکه بازتابی از بی‌توجهی سیاست‌گذار به ماهیت پریسک این ابزار مالی است. نبود بازارگردان فعال، تعلیق بعضی ابزارهای تثبیت‌کننده و قوانین خلق‌الساعه سازمان بورس، کنار افتحال برخی مدیران صندوق‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری وضعیت بغرنج فعلی شده است. از این منظر سرمایه‌گذاران خاطرات تلخ سال ۱۳۹۹ را در ذهن مرور می‌کنند؛ سالی که دولت دو صندوق قابل معامله با محوریت صنایع بانکی، بیمه و پالایشی را به بازار عرضه کرد اما به‌دلیل نبود حمایت مناسب و شفافیت، قیمت این صندوق برای مدت طولانی کمتر از «NAV» باقی ماند. اگرچه در بهار امسال، قیمت صندوق پالایش یکم به محدوده «NAV» نزدیک شده است اما دارا یکم همچنان با حباب منفی قابل‌توجهی معامله می‌شود؛ در عمل، اعتماد به اینگونه ابزارها در سطحی نازل قرار دارد.

جنگال کورتکس

چرا سخنان محسن رنانی اشتباه بود؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

این روزها اغلب افراد، نوشته کوتاه اما تندوتیز دکتر «موسی غنی‌نژاد» را درباره «محسن رنانی» می‌خوانند و از خود می‌پرسند «چرا اقتصاددان آزادی‌خواه به اقتصاددانان نهادگرا حمله کرد؟» نوشته کوتاه و تند موسی غنی‌نژاد در کانال تلگرامی‌اش که بدون نام بردن مستقیم از محسن رنانی، او را «اهل تفنن متوهم» با ساده‌لوحی نزدیک به «سفاهت» خواند، واکنش‌های زیادی برانگیخته است؛ این نوشته در پاسخ به اظهارات اخیر دکتر رنانی درباره «تکنیگی و کورتکس مغز» بود که بازتاب منفی گسترده‌ای داشت. غنی‌نژاد در این متن، رنانی را متهم کرد که از نام و تصویر او در «کشکول کاسبی» خود سوءاستفاده کرده است و خواستار توقف این کار شد. این حمله نه‌تنها به رنانی بلکه به‌طور ضمنی به اقتصاددانان نهادگرا بود که غنی‌نژاد از دیرباز با دیدگاه‌های آنها مخالف بوده است. دکتر غنی‌نژاد در کانال تلگرامی‌اش نوشته است: «تا آنجا که اهل تفنن متوهمی با ساده‌لوحی‌ای که ته به سفاهت می‌زند، بخواهد با کنار هم نشاندن چپ‌ها، راست‌ها، اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان اسلام‌گرا و... پوش فکری ایجاد کند و جامعه را به‌سوی توسعه هل دهد، ربطی به من ندارد اما زمانی که من را هم می‌خواهد شریک خیال‌بافی‌های خود جلوه دهد، دیگر پا از گلیم خود بیرون نهاده و بدون آذن، پا در حریم دیگری گذاشته و مرتکب نقض حقوق و اصول اولیه اخلاقی شده است. از همین جا ا نظر به‌پرداز «تکنیگی و کورتکس مغز» موکدا می‌خواهم، نام و تصویر من را از کشکول کاسبی خود بیرون گذارد و پرود کشک خود را بسابد. با آشفته ذهن میان‌مایه‌ای که ملت ایران را کم‌عقل توصیف می‌کند و بدون درک ظرایف و عظمت زبان فارسی آن را اسباب عقب‌ماندگی می‌شمارد تا حکمرانی جاهلانه



حجم مجمله و مانند آن.» محسن رنانی در نشست رونمایی از کتاب «روایت مسعود» که به‌نوعی، بزرگداشت «مسعود نبلی» بود، اظهاراتی درباره کورتکس مغز ایرانیان مطرح کرد که بازتاب گسترده و منفی داشت؛ او مدعی شد که کورتکس مغزی ایرانی‌ها به‌دلیل عواملی مانند ازدواج‌های فامیلی، نازک‌تر از کورتکس مغزی اروپایی‌هاست و این موضوع باعث کاهش عقلانیت و مانع توسعه‌یافتگی ایران شده است. رنانی همچنین گفت که همه ایرانی‌ها ازجمله اصلاح‌طلبان، اصول‌گرایان و مجاهدین خلق، به‌نوعی مستبد هستند و این ویژگی به ساختار

زیستی مغز آن‌ها مرتبط است. این اظهارات با انتقادات شدیدی مواجه شد؛ ازجمله دکتر غنی‌نژاد که بدون نام بردن از رنانی، او را «اهل تفنن متوهم» با ساده‌لوحی نزدیک به «سفاهت» خواند و خواستار توقف استفاده از نام و تصویرش در کارهای رنانی شد. افراد دیگری نیز این سخنان را غیرعلمی و تقلیل‌گرایانه دانستند و معتقد بودند که توسعه‌یافتگی ایران، ریشه در عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد، نه فقط ویژگی‌های زیست‌شناختی. اما جدا از واکنش تند غنی‌نژاد به نشست‌های توسعه محسن رنانی، اختلاف میان این دو را باید قدیمی‌تر و ریشه‌دارتر از این حرف‌ها دانست؛ غنی‌نژاد، به‌عنوان یک اقتصاددان لیبرترین و مدافع سرسخت بازار آزاد، معتقد است که مداخله دولت در اقتصاد باید به حداقل برسد و سیاست‌گذاری‌ها بر اساس تحلیل‌های علمی و منطقی شکل گیرند نه ایدئولوژی یا منافع کوتاه‌مدت. او در همه نوشتارها و گفتارهای خود از اقتصاد دولتی و دیدگاه‌های چپ‌گرایانه انتقاد کرده و آنها را ریشه مشکلات اقتصادی ایران دانسته است؛ در مقابل، اقتصاددانان نهادگرا مانند «محسن رنانی» بر نقش نهادها، ساختارهای اجتماعی و تاریخی در اقتصاد تأکید دارند و معتقد هستند که بازار آزاد به‌تنهایی نمی‌تواند مسائل پیچیده اقتصادی ایران را حل کند. رنانی در گفت‌وگویی با مسعود نبلی، از عدم استفاده دولت از ظرفیت نهادگرایان انتقاد کرده بود. این اختلاف ریشه‌های فراتر از یک دعوی شخصی به تفاوت‌های عمیق فکری بین مکتب لیبرال و نهادگرا بازمی‌گردد؛ غنی‌نژاد در گفت‌وگویی با «مهرنامه» در سال ۱۳۹۲ نهادگرایان را متهم کرد که به‌دنبال کسب قدرت سیاسی هستند و «حکمرانی خوب» را بهانه‌ای برای این هدف می‌دانند؛ درحالی که به‌باور او، این مفهوم فاقد پشتوانه تئوریک اقتصادی قوی است. او نهادگرایان را به فقدان شفافیت در اهداف سیاسی‌شان متهم کرد و پیشنهاد کرد به‌جای پنهان شدن پشت مفاهیم اقتصادی به‌صراحت حزب تشکیل دهند. حمله اخیر غنی‌نژاد به رنانی را می‌توان در ادامه این اختلافات قدیمی دید؛ او احتمالاً اظهارات رنانی را نه‌تنها غیرعلمی بلکه تلافی برای جلب توجه عمومی با مفاهیم غیرمرتبط با اقتصاد تلقی کرده است. این جدال، نمایان‌گر شکاف عمیق میان دو دیدگاه اقتصادی در ایران است؛ یکی که بازار آزاد را راه‌حل می‌داند و دیگری که بر اصلاحات نهادی و ساختاری تأکید دارد. این نزاع فکری که گاه به حملات شخصی کشیده می‌شود، نشان‌دهنده چالش‌های عمیق در گفتمان اقتصادی ایران است که هنوز راه‌حلی برای اجماع بر سر سیاست‌گذاری‌های کلان نیافته است.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علی اشرف نائیج طی درخواست شماره ۴۸۸۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی مقدار شش‌دانگ یک قطعه زمین بنای احداثی پلاک ۳۴۵ فرعی از ۵ اصلی واقع بخش ۱۰ واقع در حوزه ثبتی شهرستان نور با شماره سریال ۰۲۳۴۲۰۳ که در دفتر ۱۸۰ صفحه ۷۴ ذیل ثبت ۲۳۱۱۵ به نام علی اشرف نائیج صادر گردید. اینک به علت جابجایی مفقود گردیده است ازاین رو درخواست صدور سند المثنی را دارد. بنابراین در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت اسناد و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می شود چنانچه هرکسی مدعی انجام معامله نسبت به سند مذکور و یا مدعی وجود سند مالکیت در نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت تسلیم و رسید دریافت نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول در مدت مقرر اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد.

شناسه آگهی: ۱۹۴۴۴۹۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

علی سعادت
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نور

آگهی

ابلاغ و احضار

آقای رضا محمدی فرزند علی اکبری (مجهول المكان) همسر شما برابر دادنامه ی شماره ۱۴۰۳۲۲۳۹۰۰۰۴۳۹۴۵۳۲ مورخه ۱۴۰۳/۱۲/۱۴ شعبه ۳ دادگاه خانواده قزوین تقاضای طلاق نموده اند نظر به تایید درخواست همسر شما لازم است ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی در دفتر طلاق ۱۸ قزوین به آدرس خیابان شهید بابایی نبش کوچه شهید منجم (۴۴) حاضر شوید در غیر این صورت طبق مقررات طلاق ثبت می گردد و اعتراض بعدی مسموع نخواهد شد .

منصور عباسی نیکو
سر دفتر ازدواج و ۱۱۶ و طلاق ۱۸ قزوین

شناسه آگهی ۱۹۴۳۶۰۶

آگهی موضوع ماده

۳ قانون وماده ۱۳

آئین نامه قانون تعیین

تکلیف وضعیت ثبتی

واراضی وساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۲۵۹۵/۰۳۰۹۰۰۱۰۲۰۴۶۰۴۶ مورخه ۱۴۰۲/۰۲/۲۸ کلاسه ۱۰۰۱۰۰۴۲-۹۰۰۱۰۱۴۴/۱۴۰۳۱۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم مریم هاشمی به شناسنامه شماره ۱۳۴۳ کد ملی ۴۳۲۴۴۳۴۵۶۵ فرزند قاسم در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰۰۰ متر مربع پلاک شماره ۳۵ – اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین محرز گردیده است .

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

شعبان عسگری
رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی ۱۹۴۳۴۸۸

آگهی قانون تعیین

تکلیف وضعیت

اراضی وساختمانهای

فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای ۰۳۰۳۹۸۷۲/۰۳۱۰۰۱۴۰۳۶۰۳۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۴ هیات قانون تعیین تکلیف...موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی ...چمستان...تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم شقایق شهروا فرزند رضا نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۳۴/۹۵ مترمربع به شماره پلاک ۶۱۵ فرعی از ۱۰۰ اصلی واقع در قریه نعمت آباد بخش ۱۱ خریداری شده از آقای و خانم مجتبی رحمتی محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهرها منتشر ودر روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه مضرر به دادگاه نیست.

شناسه آگهی: ۱۹۳۵۱۰۴

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

عین اله تیموری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

مرگ تلخ محیط‌بان

قتل محیط‌بان منطقه «خائیز»

ضعف ساختاری حفاظت محیط‌زیست را آشکارتر کرد

گروه اجتماعی: روز سه‌شنبه ۱۳ خرداد، طبیعت منطقه «خائیز» در

بهت فروفت؛ ساعت ۵:۵۰ عصر همان روز، محیط‌بان فداکاری به نام «هدایت‌الله دیدهبان» که برای بررسی گزارش حضور شکارچیان غیرمجاز هنگام گشت‌زنی در جاده آسفالت بهبهان- سد مارون بود از ناحیه سر، هدف شلیک مستقیم قاچاقچیان قرار گرفت و بلافاصله به‌شهادت رسید. منطقه حفاظت شده خائیز با مساحتی بیش از ۳۲ هزار هکتار در غرب استان کهگیلویه‌بویراحمد قرار دارد. این سرزمین پهناور با جنگل‌های بلوط زاگرس و تنوع زیستی ویژه، سال‌هاست عرصه نبرد خاموش محیط‌بانان فداکار با شکارچیان غیرمجاز بوده است.

روح‌الله عزیزی، فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست استان کهگیلویه‌بویراحمد، درباره این حادثه تلخ گفت که محیط‌بان دیدهبان «یکی از بهترین محیط‌بانان استان و کشور» بود که متأسفانه در همان لحظه کشته شد. شهید دیدهبان ۵۸ ساله، متاهل و دارای ۱۵ سال سابقه خدمت در سازمان محیط‌زیست بود. پیکر او با حضور گسترده مردم محلی، خانواده و دوستان‌ارح محیط‌زیست در شهرستان بهبهان تشییع شد.

فرمانده نیروی انتظامی شهرستان بهبهان اعلام کرد، قاتل محیط‌بان منطقه خائیز در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه در استانی هم‌جوار

ادامه از صفحه یک

کابوس زنان

جامعه‌شناسان علت این روند را ارتباط تنگاتنگ مشکلات معیشتی با جرم می‌دانند. بسیاری از سازقان در بازجویی‌ها، فشارهای اقتصادی و بدهی خانوار را انگیزه اصلی ذکر کرده‌اند. «عزت‌الله یوسفیان‌ملا»، نماینده ادوار مجلس، تأکید می‌کند که «هرگاه نرخ بیکاری افزایش یابد، جرایمی مثل زورگیری هم بیشتر می‌شود». در پرونده قتل «زها میرزایی»، کارشناس شبکه افق گفته شد که فقر و قرض باعث شد متهم به سرقت مسلحانه و در نهایت، جنایت متوسل شود. با افزایش تورم و تکثر شدن معیشت، گروهی از جوانان از فرصت‌های شغلی دور می‌مانند و به اعمال غیرقانونی روی می‌آورند.

از سسوی دیگر، فروپاشی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز به گسترش خشونت خیابانی دامن زده است؛ به‌گفته «ابوالقاسم مختاری»، نماینده سابق مجلس، «فروریختن ارزش‌های فکری، انسانی و اعتقادی» و «فقر فرهنگی و اجتماعی» باعث شده است که برخی افراد، به‌ویژه نیروی جوان، تسلیم اعمال خشن شوند. او هشدار می‌دهد که ترس مجرمان، فروریخته است و زورگیران به‌صورت گستاخانه‌تر و بی‌رحمانه‌تر، زنان و کودکان را آزار می‌دهند. ظهور برهکاری‌هایی مانند کیف‌قاپی و موبایل قاپی، نشانه‌ای از کاهش سرمایه اجتماعی و ناامیدی عمومی است؛ به‌ویژه آنکه وضعیت نامناسب زندان‌ها، انتقال تجربه‌های جنایی را تسهیل کرده است. در یکی از نمونه‌ها، ضارب بزرگ‌راه نیایش که در ویدئویی، یک زن را مورد آزار قرار داده بود، مشخص شد یکی از اتباع کشور بوده و چندی پیش، از زندان آزاد شده بوده است؛ این مساله ضعف نظارت مرزها و پدیده مهاجرت غیرقانونی را نیز در کانون توجه قرار داده است.

عده‌ای از مسئولان قضایی و نمایندگان معتقدند فقدان قانونی چندانی در مجازات جرایم خشن وجود ندارد بلکه سرعت اجرای احکام و بازدارندگی پایین است. «محمدتقی نقدعلی»، نایب‌رئیس کمیسیون حقوقی مجلس، تأکید کرده «قانون در این خصوص، نقصی ندارد و اشد مجازات برای زورگیران در قانون مجازات اسلامی دیده شده است». حتی در موارد شدید، مجازات مجاریه (اعدام) نیز پیش‌بینی شده است؛ در مقابل، «علی مطهری»، نماینده ادوار مجلس، کندی دادرسی را مورد انتقاد قرار داده است و می‌گوید، تأخیر طولانی در صدور حکم «مجازات‌ها را عملا بی‌اثر می‌کند». او تأکید می‌کند که دستگاه قضایی باید سرعت رسیدگی را افزایش دهد و از فناوری‌های نوین برای شناسایی مجرمان استفاده کند.

ضعف سیستم حمل‌ونقل عمومی و آسیب‌پذیری زنان

یکی از عوامل کلیدی در فرآیند مرگ‌بار بازگشت الهه به خانه، ضعف زیرساخت حمل‌ونقل عمومی و نبود دسترسی امن در ساعات پایانی روز بوده است. الهه مانند بسیاری از زنان جوان، پس از پایان شیفت کاری در ساعت‌های پایانی شب یا در شرایطی که مترو و اتوبوس در دسترس نیست از خودروی مسافربری شخصی استفاده کرده بود. این خودروها اغلب خارج از چارچوب نظارتی عمل می‌کنند و سواری‌گیر آنها فاقد

شناسایی و دستگیر شده و متهم به ارتکاب قتل اعتراف کرده است؛ اسلحه و تجهیزات مقتول نیز در مخفی‌گاه ضارب کشف شد. مدیرکل حفاظت محیط‌زیست کهگیلویه‌بویراحمد نیز اعلام کرد، یکی از سه شکارچی مظنون به این قتل، دستگیر شده و از مخفی‌گاه او اسلحه سازمانی شهید دیدهبان (که توسط متخلفان به سرقت رفته بود) همراه دوربین و لوازم شخصی این محیط‌بان کشف و ضبط شده است. تلاش برای شناسایی و دستگیری دو متهم دیگر همچنان ادامه دارد؛ هرچند مقام‌های قضایی وعده داده‌اند این پرونده را با قاطعیت پیگیری کنند اما فعالان محیط‌زیست می‌گویند، انتظار عملیاتی شدن سریع حکم و ضمانت اجرای قاطع ترسیم‌شده در قوانین ضروری است. این واقعه تلخ بار دیگر، ضعف‌های ساختاری یگان حفاظت محیط‌زیست را عیان کرد. حمید ظهراهی، جانشین محیط‌زیست کهگیلویه‌بویراحمد با اشاره به حادثه شهادت دیدهبان گفت که قوانین فعلی حفاظت محیط‌زیست محیط‌بانان را در مواجهه با متخلفان مسلح «ناتوان» کرده‌اند؛ بر اساس مقررات فعلی، محیط‌بانان تنها زمانی می‌توانند اسلحه به‌دست گیرند که خود در خطر جانی باشند و نمی‌توانند برای بازداشت یا مقابله پیشگیرانه از امکانات دفاعی خود استفاده کنند. او افزود که با توجه به کمبود تجهیزات و نیروی انسانی

بررسی صلاحیت مشخص هستند. وقتی شبکه حمل‌ونقل عمومی کافی

نباشد، شهروندان به سرویس‌های غیراستاندارد تکیه می‌کنند که افزون بر کاهش کیفیت سفر، امنیت مسافران، به‌ویژه زنان و سالمندان را به‌خطر می‌اندازد. اگرچه قانون و متولیان امر، جای خالی چنین حمل‌ونقل‌هایی را پیش‌بینی کرده‌اند اما در عمل، نظارت کم‌رنگ است. «شادی مالکی»، مدیرعامل سازمان تاکسی‌رای تهران، گفته که قانون به‌صراحت، بند ۲۰۳ این‌نامه راهنمایی و رانندگی را تصویب کرده که «حمل‌ونقل مسافر با وسیله نقلیه پلاک شخصی فاقد مجوز قانونی ممنوع» است. او تأکید می‌کند تاکسی‌رانان رسمی، شغل ثبت‌شده با شرایط معین دارند و اطلاعاتشان تحت نظارت کامل این سازمان است؛ از این‌رو «درصد تخلفات تاکسی‌رانان بالاخص در جرایمی همچون موضوع مشابه الهه حسین‌نژاد، نزدیک به صفر» است؛ با این حال، این هشدارها در عمل توانسته‌اند از تردد خودروهای مسافرکش بدون مجوز جلوگیری کنند. به‌گفته مالکی، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات حمل‌ونقل اینترنتی نیز ملزم به بررسی صلاحیت رانندگان و نصب علائم متمایز بر خودروها هستند تا نظارت بر آنها ممکن شود. واقعیت اما این است که در برخی مناطق شهری، خودروهای شناسنامه‌دار به‌آسانی مسافر جابه‌جا می‌کنند و کار نظارتی چندانی بر عملکردشان صورت نمی‌گیرد. نتیجه این بی‌سامانی نهادی، حضور «مسافرکنشی‌های بی‌شناسنامه» در مسیرهای حساس است که متأسفانه در واقعه قتل الهه حسین‌نژاد نیز نقش داشت.

همچنین پروژه‌هایی مانند خط ریلی حومه‌ای اسلام‌شهر که سال‌ها وعده داده شده‌اند، هنوز محقق نشده‌اند و تأخیر در توسعه حمل‌ونقل ایمن، جای خالی خود را نشان می‌دهد. بر اساس گزارش‌ها، مسیر سرراه قائمیه اسلام‌شهر تا خانه الهه حدود ۱۵ دقیقه پیاده‌روی دارد و اهالی گفته‌اند که این مسیر تاکنون سابقه حادثه نداشته است. وجود یک پاسگاه پلیس در میان راه نیز مانع از احساس خطر نمی‌شود چراکه نظام مدیریت شهری تاکنون نتوانسته است، امنیت و زیرساخت مناسب را در این معابر کم‌تردد فراهم کند.

آن‌هایی که باید پاسخ‌گو باشند!

روایت این تراژدی، فراتر از قصاص یک قاتل شخصی، زنگ هشدار است درباره مسئولیت‌های مدیریتی. کارشناسان حقوقی تأکید دارند که نهادهای عمومی بر اساس قانون مسئولیت مدنی، وظیفه دارند شرایط زندگی امن را برای شهروندان فراهم کنند. در این زمینه، شهرداری تهران با بودجه کلان تاکنون نتوانسته است، حمل‌ونقل ایمن را در مناطق کم‌برخوردار و حاشیه‌ای گسترش دهد. جز چند عضو شورا، شوراهای شهر بیشتر مشغول منازعات سیاسی هستند و کمتر به مسائل عملی و فوری پرداخته‌اند. در نتیجه، ضعف برنامه‌ریزی و «ترک‌فعل» در سامان‌دهی حمل‌ونقل عمومی و کنترل مسافرکنشی‌های غیرمجاز، بارها از سوی کارشناسان مورد انتقاد قرار گرفته است.

سیاست‌مداران و مدیران شهری چارمساز نیستند اگر نپذیرند که امنیت زنان در شهر از مساله‌ای لوکس یا فرعی فراتر نمی‌رود. پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که بیش از دوسوم زنان تهرانی، شب‌ها احساس ناامنی می‌کنند و برای بازگشت به خانه، مجبور به استفاده از وسایل نقلیه غیراستاندارد بوده‌اند. فعالان حقوق زنان معتقدند قتل الهه، تنها نمونه‌ای از خشونت نظام‌مند علیه زنان در فضاهای عمومی است و تا وقتی این پدیده ساختاری اصلاح نشود، فجایع مشابه ادامه خواهند داشت.

باید امکانات دفاعی مناسب در اختیار محیط‌بانان قرار گیرد و مقررات بازنگری شود. مشکل کمبود نیرو در یگان حفاظت چنان است که ظهراهی اعلام کرد تنها ۳۸ درصد از ساختار سازمانی محیط‌بانان تکمیل شده است؛ به‌عبارتی بسیاری از محیط‌بانان در ماموریت‌ها، به‌تنهایی با شکارچیان مسلح مواجه می‌شوند. انتقادها محدود به داخلی نیست: «منوچهر فلاحی» جانشین فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست کشور به آمار تاسف‌بار جان باختن محیط‌بانان اشاره کرد و گفت «در ۴۰ سال گذشته ۱۴۳ نفر از محیط‌بانان ایران توسط شکارچیان غیرمجاز کشته شده‌اند». به‌گفته ظهراهی، جمع‌کل محیط‌بانانی که تاکنون در درگیری با متخلفان جان باخته‌اند حدود ۱۵۰ نفر است اما تنها ۵۰ نفر از آنها به‌عنوان «شهید» معرفی شده‌اند؛ نکته‌ای که نشان‌دهنده کم‌اهمیتی قانونی نسبت به ایشار این مدافعان طبیعت است.

نگاه فراملی هم حکایت از خطر بزرگ پیش‌روی نگهبانان

برای ارتقای امنیت چه کنیم؟

کارشناسان بارها بر ضرورت اقدامات چندوجهی برای مهار بحران تأکید کردند اما این اقدامات، تاکنون خروجی قابل‌لمسی نداشته‌اند. «صالح نقره‌کار» حقوق‌دان به سازمان‌دگی می‌گوید: «اجرای قاطع قانون و تسریع در رسیدگی قضایی قطعا در کاهش این جرایم موثر است. در واقع قانون مجازات مصوب اشد مجازات را برای جرایم خشن پیش‌بینی کرده است اما تأخیر در صدور حکم، بازدارندگی را کاهش می‌دهد؛ بنابراین باید روند رسیدگی به پرونده‌های زورگیری و سرقت‌های مسلحانه فشرده شود تا مجازات‌ها تأثیر بازدارنده داشته باشند».

به‌اضافه اینکه استفاده از دوربین‌های مداربسته و هوش مصنوعی در معابر شهری برای شناسایی سریع مجرمان، بدون شک کارساز خواهد بود و نصب علائم شناسایی تاکسی‌ها و فعال‌سازی اپلیکیشن‌های دولتی به‌منظور ثبت مسیر، هویت رانندگان و حفظ حقوق شهروندی یعنی تأمین امنیت لازم است. به‌گفته «میشم بصیرت»، کارشناس حوزه شهری، ارتقای حضور محسوس گشت‌های پلیس در نقاط شلوغ و پرتدد و تشویق شهروندان به گزارش سریع جرایم، می‌توانند مجرمان را از فعالیت علنی بازدارند. مطالعات نشان می‌دهند، وقتی مجرم بداند مردم بی‌تفاوت نیستند و دستگاه‌های نظارتی فعال هستند، جرات ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. او که مدرس سابق دانشگاه تهران و پژوهش‌گر مدیریت شهری است، معتقد است که: گسترش خطوط ریلی حومه‌ای، توسعه ناوگان مترو و اتوبوس‌های شبانه‌روزی، به‌ویژه در حاشیه شهرها، برای کاهش نیاز مسافران به خودروهای شخصی واجب است. سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی امن و مقرون به‌صرفه نتهاها فاصله جغرافیایی را کاهش می‌دهد بلکه شبکه نظارتی مشخصی بر خدمات حمل‌ونقل را فراهم می‌کند.

به‌اضافه اینکه ادامه وضعیت فعلی معیشتی و بیکاری، تنش‌های اجتماعی و فقر فرهنگی را افزایش می‌دهد. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، کاهش نابرابری‌ها و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند، انگیزه افراد برای ورود به فعالیت‌های خلاف را کاهش دهد. کنار اقدامات انتظامی، تقویت آموزش شهروندی و فرهنگ همکاری اجتماعی در پیشگیری از جرم موثر است.

در نهایت؛ قتل فجیع «الهه حسین‌نژاد»، هشدار تلخ است که مسئولیت امنیت شهری را به همه ما یادآوری می‌کند؛ از مردم گرفته تا مدیران. بدون عزم جدی برای رفع ضعف‌های ساختاری در حمل‌ونقل عمومی، ارتقای انصاف اجتماعی و نظارت بر فضا‌های عمومی، قربانی بعدی، ممکن است یکی دیگر از زنان همین شهر باشد. تنها با اقدامات هماهنگ فراسازمانی- از اصلاحات قضایی گرفته تا برنامه‌ریزی حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری در عدالت اجتماعی- می‌توان از تکرار چنین فجایعی جلوگیری کرد. امنیت، حق همه شهروندان است و بی‌توجهی به آن، هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر زندگی مردم تحمیل خواهد کرد.

الهه حسین‌نژاد دیگر میان ما نیست؛ اما یاد او، مسئولیتی است برای همه ما؛ برای ساختن شهری که در آن، زنان بی‌دغدغه از خانه خارج شوند و خانواده‌ها نگران برگشتن دخترانشان از محل کار نباشند. امنیت، مطالبه‌ای لوکس یا سیاسی نیست؛ حق مسلم همه ماست؛ و بی‌تردید، بی‌توجهی به آن هزینه‌های به‌مراتب سنگین‌تر از بودجه‌ای تخصیص نیافته و جلسات برگزار نشده، خواهد داشت.



حیات‌وحش دارد. فدراسیون بین‌المللی محیط‌بانان گزارش داده در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۱ حدود ۲۳۱ محیط‌بان هنگام انجام وظیفه کشته شده‌اند که بسیاری به‌دست گروه‌های مسلح و قاچاقچیان جان باخته‌اند. مطالعات تحلیلی نشان می‌دهد در برخی کشورهای جهان- به‌ویژه تانزانیا و کنیا- با درگیر کردن جوامع محلی در حفاظت از پارک‌های ملی موفق شده‌اند، منازعات محیط‌بانان و محلی‌ها را کاهش دهند اما در ایران همچنان کمبود نیروی انسانی، تجهیزات ناکافی و محدودیت‌های قانونی، محیط‌بانان را در تیرس خطر نگه داشته‌اند. مقامات دولتی همواره وعده افزایش حمایت و تجهیزات را تکرار کرده‌اند اما به‌باور منتقدان تا زمانی که ساختارهای حمایتی اصلاح نشوند و «شهید» نامیدن صریح همه فداکاران عرصه طبیعت مرسوم نشود، این حلقه دفاع مقابل شکارچیان مسلح بدون پشتیبانی لازم خواهد ماند و مظلومیت خدمت محیط‌بانان و هدر رفتن خون شهیدان طبیعت تداوم خواهد یافت.

محیط زیست

انقراض گونه خاص

فک خزری این روزها جانوری بی‌پناه در محاصره مرگ خاموش اس

با کشف سه لاشه‌ی جدید فک خزری در سواحل استان مازندران، شمار تلفات این گونه در حال انقراض در سال ۱۴۰۴ به عدد نگران‌کننده ۳۵ رسید. به‌گفته «روح‌الله اسماعیلی»، معاون محیط‌زیست طبیعی مازندران، لاشه‌ها در وضعیت پیشرفته فساد بودند و امکان کالبدگشایی علمی و تعیین دقیق علت مرگ آن‌ها وجود نداشت. اسماعیلی اعلام کرده است که پایش‌های میدانی منظم در نوار ساحلی با همکاری مرکز امدادونجات فک خزری و اداره دامپزشکی مازندران ادامه دارد و در صورت فراهم بودن شرایط، نمونه‌برداری‌های تخصصی انجام خواهد شد اما مقابل مرگ‌های پیاپی و بی‌پاسخ، این پایش‌ها بیش از آنکه اطمینان‌بخش باشند به تلنگری برای هشدار دائمی بدل شده‌اند. در روزهای ابتدایی خرداد نیز «محمدرضا کنعانی»، سرپرست محیط‌زیست مازندران با استناد به داده‌های دو سال گذشته، روند مرگ‌ومیر فک‌ها را نگران‌کننده خواننده بود. او دلایل احتمالی این مرگ‌ها را فهرست کرد: آلودگی‌های نفتی و صنعتی، کاهش منابع غذایی، بیماری‌های ویروسی مانند دیستمبر، گرفتار شدن در تورهای ماهی‌گیری، برخورد با شناورها و آثار فزاینده تغییرات اقلیمی. فک خزری، تنها پستاندار بومی دریا‌ی خزر و یکی از گونه‌های نادر و منحصربه‌فرد در جهان است اما همین میراث زیستی، اکنون با سرعتی هشداردهنده در مسیر زوال قرار گرفته است؛ درحالی که تخمین‌ها، حاکی از وجود بیش از یک میلیون فک خزری در آغاز قرن بیستم است، اکنون برآوردها، جمعیت آنها را کمتر از ۷۰ هزار تخمین می‌زنند. این کاهش چشم‌گیر، فک خزری را در فهرست سرخ اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت در ردیف گونه‌های «در معرض انقراض» قرار داده است. این گونه در فصل گرم برای مهاجرت، استراحت و تغذیه به سواحل جنوبی، به‌ویژه نواحی مازندران، پناه می‌آورد؛ بنابراین، نقش این استان در حفاظت از فک خزری نه‌فقط مسئولیتی محلی بلکه تعهدی ملی و بین‌المللی است. مرگ‌های تکرارشونده فک‌های خزری در سال‌های گذشته حکایت از تداوم تهدیدهای زیست‌محیطی در دریا‌ی خزر دارد؛ وضعیت سلامت این گونه در واقع، آینه‌ای است برای سنجش کیفیت زیستی یکی از مهم‌ترین پهنه‌های آبی کشور. کارشناسان محیط‌زیست بر این باور هستند که تداوم این وضعیت، پیامدهای غیرقابل‌جبرانی به‌دنبال خواهد داشت. آنها خواستار اجرای جدی برنامه‌های ملی حفاظت، کاهش آلاینده‌های صنعتی و نفتی، آموزش جوامع محلی، پایش مستمر و توسعه‌ی همکاری‌های بین‌المللی میان کشورهای حاشیه خزر هستند. دریا‌ی خزر برخلاف آرامشش، گواه مرگ خاموش گونه‌ای است که هیچ فریادی ندارد؛ مسئولیت نجات آن نه‌فقط بر دوش محیط‌زیست مازندران بلکه بر دوش تمام ماست؛ پیش از آنکه این فک‌ها به افسانه‌ای زبیا در کتاب‌های کودکان بدل شوند.

